

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۷۱

جمعه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ م ۲۰۲۲

سونامی گرانی را با خود حکومت باید جارو کرد!

هزینه گرانی و تورم را مفتخوران حاکم باید پردازند!

تورم و گرانی فزاینده و افسار گسیخته در جامعه بیداد میکنند. سونامی گرانی تامین معیشت فقیرانه را نیز برای اکثریت مردم به مشقت تبدیل کرده است. مرکز آمار ایران نرخ تورم را ۴۰ درصد اعلام کرده است اما بطور واقعی رشد قیمتها بویژه در مورد مواد غذایی پایه ای بسیار بیشتر از این است. قیمت آرد صنعتی ده برابر، حبوبات دو برابر و برنج و ماکارونی سه برابر شده و بهای دیگر مواد خوراکی نظیر برنج و شکر و گوشت و میوه جات نیز افزایش سرسام آوری داشته است.

صفحه ۲

محاکمه یک شکنجه گر، و سرنوشت یک گروگان

کاظم نیکخواه

دادگاه حمید نوری شکنجه گر حکومت اسلامی در استکهلم سوئد روز گذشته سوم ماه مه به پایان رسید. رئیس دادگاه اعلام کرد که حکم دادگاه در ماه ژوئیه اعلام خواهد شد. محاکمه حمید نوری در واقع محاکمه خمینی و خامنه ای و کل جمهوری جنایتکار اسلامی در سطح بین المللی بود. دنیا صدای شکنجه شدگان و قربانیان حکومت اسلامی را شنید. درد و زخمی که بر قلب مادران و پدران و زنان و مردان بسیاری وارد شد، در این دادگاه به درجه زیادی بازتاب یافت. چندین ماه است که از رسانه های بسیاری جنایت عظیم سال ۶۷ و کل دهه خونین شصت زیر ذره بین گذاشته شده و به مردم دنیا نشان داده شده است که چگونه این حکومت به جان یک جامعه شاد و انقلاب کرده افتاد و عزیزان مردم را که در جشن خلاصی از گورستان آریامهری بودند، در خیابانها شکار کرد و براحی آب خوردن هزاران نفر را قتل عام کرد و در گورهای بی نام و نشان دفن نمود. دنیا شنید و دید که دستور این قتل عام عظیم را خمینی جلال و منحوس صادر کرد و تمام جناحهای حکومتی در آن سهم و شریک بودند. حمید نوری

یکی از جلادان کثیف حکومت اسلامی است و به احتمال زیاد به سالها زندان محکوم خواهد شد. این اول بار است که یکی از شکنجه گران حکومت اسلامی در گوشه ای از دنیا به دست عدالت سپرده میشود. در عین حال نکته مهم اینست که دادگاه حمید نوری و شهادتهای شهود و فاکتها و شواهد بیشماری که طی ماهها در دادگاه منتشر شد، اینها همه پرونده آماده و قابل استنادی برای محاکمات آینده و محکوم کردن دیگر دست اندرکاران حکومت اسلامی است و کسانی نظیر ابراهیم رئیسی که خود یکی از سه نفر عضو کمیته مرگ سال ۶۷ بود و همچنین خامنه ای و بقیه نیز باید منتظر چنین دادگاههایی باشند. بقول یکی از فعالین این دادگاه یک تجربه تاریخی و قابل تکرار است.

بلافاصله بعد از پایان دادگاه حمید نوری، رسانه های جمهوری اسلامی اعلام کردند که علیرضا جلالی شهروند سوئدی - ایرانی که بیش از شش سال است در ایران توسط جمهوری اسلامی گروگان گرفته شده، تا اواخر اردیبهشت اعدام خواهد شد. این تهدید کثیف و ضد

ادامه در صفحه ۳

در این شماره نشریه:

- | | | |
|----|---|---|
| ۳ | شماره صفحه | احمد رضا جلالی و حکومت گروگانگیر
مینا احدی |
| ۴ | اول مه گامی به پیش در جهت به هم پیوستن جنبشهای اعتراضی
حمید تقوایی | |
| ۵ | برگزاری یک اول مه گسترده و باشکوه در شهرهای مختلف
اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران | |
| ۶ | کارگر کمونیست ۷۲۵ انعکاسی از اول ماه مه امسال در ایران
افزایش قیمت ۱۱۷ درصدی انواع نان های صنعتی | |
| ۹ | محمد شکوهی | |
| ۱۰ | بن بست حکومتی در عراق، مخمصه و تقلاهای رژیم اسلامی ایران
عبدل گلپریان | |
| ۱۱ | گرانی حبوبات و پاسخ مردم
نسان نودینیان | |
| ۱۲ | اول ماه مه در تورنتو
بابک یزدی | |
| ۱۲ | افتضاح پرستویی: آبان در تعقیب
مصطفی صابر | |
| ۱۳ | دستگیر شدگان اول مه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند
کمپین برای آزادی کارگران زندانی | |
| ۱۴ | بازداشت شدگان اول ماه مه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند
اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران | |
| ۱۴ | جان اسماعیل عبدی در خطراست | |
| ۱۵ | روز ۱۴ مه روز جهانی اعتراض برای نجات احمد رضا جلالی
آشتی آشتی آشتی با هم بریم تو کشتی | |
| ۱۶ | حسن صالحی | |
| ۱۶ | برگزاری مراسمهای باشکوه روز جهانی کارگر در کشورهای
اسکاندیناوی، اروپا و کانادا | |
| ۱۸ | به امید پیروزی "به شیرین شمس
یاشار سهندی | |

به مردم ایران در داخل کشور
به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک کنید

صفحه ۱۸

اتکاء ما به حمایت شماست!

لیست شماره سه کمپین ۱۰۰ هزار دلاری برای تامین مالی حزب

صفحه ۲۰

سونامی گرانی را با خود حکومت باید جارو کرد!

هزینه گرانی و تورم را مفتخوران حاکم باید پردازند!



مردم را نیز افزود. این پرچی است که جنبش کارگری همگام و متحد با جنبش سراسری معلمان و بازنشستگان میتواند برافرازد و به عنوان صدا و نماینده توده مردم بزرگ خط فقر رانده شده و گرسنه و بجان آمده از تورم و گرانی به خیابان بیاورد. باید خود را برای اعتصاب سراسری و عمومی آماده کنیم. ما همه مردم بجان آمده، کارگران، معلمان و بازنشستگان، جوانان و دانشجویان، زنان، دادخواهان و همه مردم را فرامیخوانیم که متحد و یکپارچه علیه دزدان و جنایتکاران حاکم به میدان بیایند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱،
مه ۲۰۲۲

به یکدیگر هشدار میدهند. اعتراض ما شورش کور و خودبخودی نخواهد بود بلکه متشکل و سازمانیافته بمیدان خواهیم آمد. همه ما فعالین، چهره ها و تشکل های کارگری، معلمان و بازنشستگان، دانشجویان، زنان، دادخواهان و سایر جنبشهای اعتراضی هماهنگ خواهیم شد، به خود سازمان خواهیم داد و دست در دست هم به خیابانها خواهیم آمد. خواست و شعار ما روشن است: هزینه گرانی و تورم را مفتخوران حاکم باید پردازند. ما کارگران و معلمان و بازنشستگان در مبارزات پیگیرمان خواهان افزایش حداقل دستمزدها به ۱۶ میلیون، بیمه پیکاری، امنیت شغلی و آموزش و بهداشت و درمان رایگان بوده ایم. اکنون به این خواستها باید پرداخت سوبسید برای مواد غذایی و کالاهای اساسی مورد نیاز

نباید اجازه دهیم بیش از این فقر و گرسنگی و محرومیت را به زندگی ما مردم تحمیل کنند. باید در همه جا به گرانیها اعتراض کنیم. باید فریاد بزنیم. باید گلوی حاکمان و دست اندرکاران حکومت را بفشاریم. معیشت و رفاه حق تک تک مردم است. حکومتی که حداقل معیشت ساده را هم نمیتواند برای مردم تامین کند باید گورش را گم کند. صندوقشان خالی است از حسابهای بانکی شان بزنند. از بودجه زندان و بسیج و پاسدارانشان بزنند. از امپراطوری اقتصادی خامنه ای و بیت رهبری شان پول تامین کنند.

جمهوری اسلامی به سرکوب نیاز دارد و ما مردم به غذا. این جنگی برای بقا است. مفتخوران حاکم برای حفظ ثروت و موقعیت خودشان سرکوب میکنند و ما برای ادامه زندگیمان چاره ای جز اعتراض و مبارزه نداریم. خیزشی توده ای و کوبنده در راه است. خیزشی که مقامات حکومتی آنرا شورش گرسنگان می نامند و

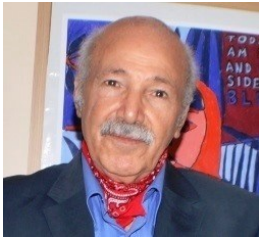
چپاولگرش بدون اینکه جنبش مردمی گلویشان را بفشارد حاضر به دست شستن از اختلاسها و رانتخواریها و حیف و میل ثروتهای عمومی نیستند. میتوان و باید حکومت را مجبور کرد برای مواد غذایی و دیگر کالاهای اساسی مورد نیاز مردم سوبسید پردازد.

میگویند تحریم ها اجازه نمیدهد، خزانه خالی است، دولت بودجه ندارد و توجیهاتی از این قبیل. اینها مطلقا جواب مردم نیست. شما مفتخوران و دزدان نجومی خود عامل گرانی و ورشکستگی اقتصاد و گرانی کشنده هستید. تنها بخش کوچکی از بودجه عظیمی که صرف سپاه و بسیج و زندانها و سایر ارگانهای سرکوب و شبکه مساجد و حوزه های پرورش آخوند و دم و دستگاه صنعت مهلک مذهب و یا صرف کمک به جریانات تروریست اسلامی در منطقه میشود، برای پرداخت سوبسید و پائین نگاه داشتن قیمتها کفایت میکند.

مقامات حکومتی تلاش میکنند تا گرانی ها را به گردن تحریم و جنگ اوکراین و تورم جهانی و غیره بیاندازند اما رشد مداوم قیمتها یک عارضه همیشگی و ساختاری اقتصاد بحران زده جمهوری اسلامی بوده است. پشت این گرانی ها یک سیستم فاسد و ورشکسته و منافع نجومی باندهای مافیائی، "برادران قاچاقچی" و سلاطین برنج و گندم و گوشت و شکر و غیره قرار دارد. مدتهاست سفره مردم از گوشت و میوه خالی شده و اکنون نان خالی نیز در حال حذف شدن از سفره هاست. از یکسو گرسنگی و ناتوانی از تامین قوت لایموت زندگی اکثریت مردم را در چنگال خود میفشارد و از سوی دیگر پول و ثروت رانتخواران و باندهای مافیائی حکومت از بارو بالا میرود.

این وضعیت دیگر قابل تحمل نیست. باید از حلق آیت الله های میلیاردر و مفتخوران دزد حاکم بیرون کشید و صرف تامین زندگی مردم گرسنه کرد. حکومت اسلامی و باندهای

جمهوری اسلامی به سرکوب نیاز دارد و ما مردم به غذا. این جنگی برای بقا است. مفتخوران حاکم برای حفظ ثروت و موقعیت خودشان سرکوب میکنند و ما برای ادامه زندگیمان چاره ای جز اعتراض و مبارزه نداریم



چنگلهای کثیفش را از شهروندان دوتابعیتی کوتاه خواهد نمود. یک حکومت تروریست پرور که شهروند عادی را گروگان میگیرد و بعد تلاش میکند با تروریستها و شکنجه گران مثل حمید نوری که در یک دادگاه علنی محاکمه و محکوم شده معاوضه کند، نباید در سطح دنیا تحمل شود. این خواست مردم ایران، و خواست هر انسان شریفی در دنیای امروز است که اگر هم تاکنون از جنایات حکومت اسلامی خیر نداشته، اکنون با دادگاه حمید نوری و دیگر دادگاههای مردمی در سطح جهان، با گوشه ای از کارنامه پر از خون و جنایت این حکومت آشنا شده است.

می آید اینست که این حکومت و نمایندگان کثیفش را در خاک خود راه ندهند. در نهادهای مثل سازمان جهانی کار و سازمان ملل رای به اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی بدهند. همان کاری که سالها پیش با حکومت آپارتاید افریقای جنوبی کردند و سالها قبلتر با نمایندگان نازی کردند. با چنین اقدامی است که

در برابر چنین حکومتی است و فقط از دست دولتها بر می آید. اینکه دست به چنین اقدام یکپارچه ای علیه قلدری و باجگیری جمهوری اسلامی نمیزند، بهیچ وجه قابل بخشش نیست. مردم ایران خواهان سرنگونی حکومت اسلامی هستند. بارها و بارها این خواست سوزان سرنگونی را با خیزشها و قیامهای دهها

اسلامی، دولت سوئد برای نجات علیرضا جلالی و معاوضه او با حمید نوری، زیر فشار قرار خواهد گرفت و بعید نیست که تسلیم شود. نمیشود موافقت با چنین معامله ای را محکوم کرد. چونکه جان انسانی بیگناه در خطر است. اما سوال اینست که دولتی که در روز روشن آدم ربایی و گروگان گیری و باج

ادامه از صفحه ۱

انسانی برای اعدام کسی که گنااهش فقط اینست که شهروند یک کشور اروپایی است، نفرت و انزجار وسیعی را در جهان دامن زده است. کارزاری برای نجات احمد رضا جلالی به جریان افتاده و نهادهای مختلفی از جمله کمپین برای آزادی کارگران زندانی، کمیته بین المللی علیه اعدام، و کمیته آزادی زندانیان سیاسی برای نجات او دست به کار شده اند. رسانه های متعددی خبر تصمیم به اعدام حمید رضا جلالی را پوشش دادند و به اعتراض فراخوان دادند.

مردم ایران خواهان سرنگونی حکومت اسلامی هستند. بارها و بارها این خواست سوزان سرنگونی را با خیزشها و قیامهای دهها هزار نفره و صدها هزار نفره خود ابراز کرده اند. ما از دولتها نمیخواهیم که به جمهوری اسلامی حمله کنند یا انرا سرنگون کنند. سرنگونی این حکومت کار خود مردم است. اما کار مهمی که از دست دولتها بر می آید اینست که این حکومت و نمایندگان کثیفش را در خاک خود راه ندهند. در نهادهای مثل سازمان جهانی کار و سازمان ملل رای به اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی بدهند. همان کاری که سالها پیش با حکومت آپارتاید افریقای جنوبی کردند و سالها قبلتر با نمایندگان نازی کردند.

میتوانند بزرگترین خدمت را به مردم ایران و حتی به مردم کشورهای متبوع خود انجام دهند. قطعاً اگر جمهوری اسلامی ببیند که فضای بایکوت جهانی علیه آن قدرتمند است، علیرضا جلالی را آزاد خواهد کرد و

هزار نفره و صدها هزار نفره خود ابراز کرده اند. ما از دولتها نمیخواهیم که به جمهوری اسلامی حمله کنند یا انرا سرنگون کنند. سرنگونی این حکومت کار خود مردم است. اما کار مهمی که از دست دولتها بر

خواهی میکنند، آیا نباید در سطح دنیا توسط همه دولتها محکوم شود؟ آیا نباید چنین حکومتی را از نهادهای بین المللی بیرون اندخت و سفارت خانه ها و جاسوسخانه هایش را بست؟ این موثرترین اقدام

از قبل روشن بود که با محکومیت حمید نوری شکنجه گر جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی تلاش خواهد کرد او را با علیرضا جلالی که قبلاً به گروگان گرفته بود، معاوضه کند. اعلام تصمیم به اجرای حکم اعدام علیرضا جلالی به احتمال زیاد تلاشی در این راستاست. با این سیاست حکومت

احمد رضا جلالی و حکومت گروگانگیر

مینا احدی



المللی از سبعیت این رژیم گفتند و اعلام جرم کردند، خبر ایسنا رسانه ای شد. احمدرضا جلالی را که پزشک است با توطئه برای سخنرانی به ایران دعوت کردند و برای چنین روزهایی به گروگان گرفتند. جمهوری اسلامی می خواهد پیش از رای دادگاه سوئد با طرح اعدام احمد رضا جلالی در روند رای دادگاه تأثیر بگذارد، یا با جنگ و دندان نشان دادن، قاتل شکنجه گر خود را آزاد کند.

همسر احمدرضا جلالی رسماً اعلام کرد حاضر به این مبادله نیست و حکومت باید بداند دوران بازپس گرفتن جانان او از

ایسنا: "شنیده ایم که احمدرضا جلالی تا دو هفته دیگر اعدام می شود."

درست در همان روزی که دادگاه حمید نوری، از جنایتکاران علیه بشریت و از مقامات متوسط حکومت اسلامی در شهر استکهلم، به پایان رسید، درست در شرایطی که دنیا شاهد بود که در یک کشور اروپایی، برخلاف قبل که با حکومت جنایتکاران با مدارا و ملایمت رفتار میکردند، دادگاهی معتبر تشکیل شد و دهها نفر از خانواده های قربانیان جنایت سال ۱۳۶۷ در مقابل رسانه های بین

به نقل قول از نشریه روزانه ژورنال journalfarsi.com #اعدام_نکنید #محاکمه_سران_رژیم

محکم در مقابل آنها بایستد و اقدامات تنبیهی در قبال حکومت اسلامی در پیش بگیرد. بستن سفارتخانه حکومت اسلامی در کشورهای اروپایی می تواند اولین اقدام باشد.

دولتهای اروپایی گذشته است. این حکومت به ته خط رسیده و ما باید کاری کنیم با اعتراضات جهانی آنها وادار به آزادی احمد رضا جلالی شوند. در این زمینه دولت سوئد را باید تحت فشار گذاشت تا



اول مه گامی به پیش در جهت به هم پیوستن جنبشهای اعتراضی

حمید تقوایی

اول مه گامی به پیش در جهت به هم پیوستن جنبشهای اعتراضی

تدوین شده بر مبنای
مصاحبه با کانال جدید

خلیل کیوان: امسال اول ماه مه، روز جهانی کارگر در ایران نسبت به سالهای گذشته متفاوت بود. در این روز جنبش های اجتماعی اعم از جنبش کارگری، معلمان، بازنشستگان و زنان و غیره همراه و متحد و یکصدا شدند. در برنامه امروز پاسخ درباره اول ماه مه با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.

حمید تقوایی: اول ماه مه امسال در ایران از نظر شما چه ویژگی هایی داشت و تفاوتش با اول مه سالهای قبل چه بود؟

حمید تقوایی: بنظر من اول ماه امسال نشان داد که نه تنها جنبش کارگری بلکه کل جامعه در مبارزات و اعتراضات اش علیه جمهوری اسلامی گامهای بلندی به جلو برداشته است.

اول ماه مه بر متن شرایط و فضای سیاسی ای شکل گرفت که از هر نظر اعتراضی تر و رادیکالتر از همیشه بود. به همین خاطر یک ویژگی برجسته

و بازنشستگان از فراخوان معلمان حمایت کردند.

گرچه در تهران حکومت بالاخره نیروهایش را به خیابانها ریخت و اجازه نداد در محلی که همه قرار گذاشته بودند تجمع صورت بگیرد ولی نتوانست جلوی تجمعات را بگیرد. میدانید که بازنشستگان مدتهاست یکشنبه های اعتراض سازمان داه اند و هر یکشنبه شاهد تجمعات اعتراضی آنان بودیم. اول ماه مه هم روز یکشنبه بود و این تقارن باعث شد که این حرکت سراسری تر و فراگیرتر هم بشود.

نکته مهم دیگر اینکه کارگران و معلمان در این روز خواستها و مطالبات کل جامعه را طرح کردند و به نوعی تبدیل شدند به نماینده و تریبون کل اعتراضات اجتماعی. این هم یک ویژگی اول ماه مه بود. اول مه امسال از نظر مضمون و از نظر طرح شعارها و خواستها و اعتراضات رادیکالیسم و تعرضی بودن جامعه را به بهترین نحوی نمایندگی میکرد. این ویژگی های به روز جهانی کارگر امسال خصلت و چهره ای پرشور و کوبنده و به یاد ماندنی

خلیل کیوان: به جنبه سازمانی و سراسری بودن و همینطور مضمون اول مه اشاره کردید. قاعدتا باید اول مه تأثیرات زیادی بر فضای جامعه بگذارد. به نظر شما بطور مشخص اول مه امسال بر جنبش های مختلف اجتماعی و همینطور در جنبش سرنگونی چه تأثیری میتواند داشته باشد؟

حمید تقوایی: در مقدمه قطعنامه ای که ده تشکل کارگری، معلمان و زنان صادر کردند تصریح شده است که باید دنیائی از نو بنا کرد. و بدنبال آن اعلام شده دیگر کارگران امیدى به حکومت برای بهبود شرایطشان ندارند و تنها با اتکا به اعتراضات خیابانی حرفشان را به پیش خواهند برد.

قطعنامه بعد از این مقدمه لیست خواستهائی را اعلام میکند که در واقع یک کیفیخواست جامع و عمومی است علیه تمام مصائب و تبعیضات و فقر و بی تامینی اقتصادی و سرکوب و بازداشت و غیره. کارگران با طرح این

خواستها اعلام میکنند که این رژیم نه تنها عامل استثمار وحشیانه و دستمزدهای یک پنجم زیر خط فقر است بلکه کل جامعه را به بند کشیده و تحت انواع تبعیضات و بیحقوقیها و فقر و فلاکت قرار داده است. مضمون این قطعنامه، که امیدوارم بعدا فرصت بشود که بیشتر وارد نکاتش بشویم، نشان میدهد که کارگران به نوعی پرچم و نوع منشور یک انقلاب را علیه کتیت جمهوری اسلامی بلند کرده اند. از سوی دیگر کانون نویسندگان هم در بیانیه اش بمناسبت اول ماه مه حمایت خود را از کارگران اعلام کرده است، بازنشستگان هم همینطور. فعالین آنها نیز یکبار دیگر به مناسبت اول ماه مه خواستههای برحق شان را اعلام کردند. به این اعتبار یک رابطه و میشود گفت یک دیالوگ اجتماعی

اعتراضی بین جنبش کارگری و جنبش های حق طلبانه دیگر برقرار شده است. به این ترتیب این اول ماه مه نشان داد که چطور طبقه کارگر نقدش و اعتراض اش بر وضع

برگزاری یک اول مه گسترده و باشکوه در شهرهای مختلف

اول مه روز جهانی کارگر

برگزاری یک اول مه گسترده و باشکوه در شهرهای مختلف



قانعی از فعالین کارگری شهر به صورت تلفنی مورد تهدید برای عدم حضور در تجمعات روز جهانی کارگر قرار گرفت.

تجمعات در این روز بزرگ بود و از جمله در سنج علیرغم فضای امنیتی، جمعیت زیادی شرکت داشتند.

شعارهای برجسته تجمعات این روز عبارت بودند از: "کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد، اتحاد"، "معلم، منزلت، آزادی، عدالت"، "ننگ ما، ننگ ما، وزیر الدنگ ما"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "معلم داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "آموزش رایگان حق مردم ایران"، "فریاد فریاد از این همه بیداد" در تجمعات این روز بنرهای اعتراضی و

آزادیخواهی و برابری را گرامی داشتند.

در بوشهر نیروهای سرکوبگر انتظامی، صبح این روز با یورش به تجمع معلمان تعدادی از آنها را همراه با ضرب و شتم دستگیر کردند. تا این لحظه هویت حمید خجسته، اردشیر صیادی، یوسف صیادی، فریدون شفیعی، محمود ملاکی و محسن عمرانی از معلمان دستگیر شده در بوشهر، مشخص شده است.

در شهرهای دیگر نیز از جمله در سنج، شوشتر، اسلام آباد غرب، شبراز، هشتگرد و دهگلان حضور نیروی انتظامی و امنیتی گسترده بود و جو مقابل آموزش و پرورش بسیار امنیتی بود.

در هشتگرد عرفان

ترتیب حیدریه، قزوین و خرم بید برگزار شد.

بدین ترتیب امروز اول ماه مه، روز جهانی کارگر حرکت باشکوه و گسترده ای در سراسر کشور به جریان افتاده و بخشهای مختلف کارگری با شعارها و بیانیه ها و سخنرانی ها یک بار دیگر همبستگی و اتحاد سراسری خود را برای مبارزه با ستمگران و مفتخوران حاکم و برای یک جامعه انسانی و بدون استثمار با صدای رسا ابراز کردند. این جواب کوبنده ای بود به دستگیریهایی و سرکوبگریهای حکومت و مفتخوران حاکم. در این تجمعات حضور زنان در صف سخنرانان، شعار دهندگان و در جمعیت برجسته بود.

در هفت تپه این کانال داغ اعتراضات نیز کارگران بر روی سنگر همیشگی خود و با افراشتن بنر گرامی داشت روز جهانی کارگر این روز را گرامی داشتند. ابراهیم عباسی یکی از سخنرانان این مراسم بود و بر مطالبات پاسخ نگرفته کارگران اشاره کرد و بر ادامه مبارزه تاکید نمود. یک صحنه باشکوه این مراسم فریاد لعنت بر ستمگران هنگام سخنرانی ابراهیم عباسی بود. کارگران فریاد زدند: "لعنت بر ستمگر"، "لعنت بر کسی که به طرح صیانت رای بدهد"، "لعنت بر ضد کارگر"، "لعنت بر کسی که بر ضد منافع کارگری و جمعی تصمیم بگیرد". یوسف بهمنی یکی دیگر از کارگران در سخنرانی خود ادامه مبارزه و خواستهای کارگران هفت تپه و همبستگی کارگران را مورد پافشاری قرار داد. بر روی بنر بزرگ کارگران نوشته شده بود: اول مه روز جهانی کارگران برای رهایی از

اول مه امسال تاریخی بود. اول مه امسال نمادی از اتحاد کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه بود که علیرغم سرکوبگریهای حکومت و دستگیریهایی گسترده، به طور سراسری برگزار شد. فراخوان برگزاری روز جهانی کارگر را معلمان و بازنشستگان دادند و کارگران و بخش های دیگر حمایت خود را از این فراخوانها اعلام داشتند. حکومت تلاش کرد با دستگیری ها و احضار کردن ها و تهدید کردنها جلوی برگزاری مراسم این روز را بگیرد اما نتوانست. پیام اول مه امسال آشکارا این بود که علیرغم سرکوبگری های حکومت، جامعه ایستاده است و از خواستهایش کوتاه نمی آید. معلمان و بازنشستگان در تهران به تجمع در مقابل مجلس اسلامی و در شهرهای مختلف به تجمع در مقابل مراکز آموزش و پرورش و تامین اجتماعی فراخوان داده بودند. از شهرها و مناطق مختلف نیز معلمان پیام همبستگی داده و اعلام کرده بودند که "همه می آیم". در این روز بنا به گزارشات تاکنون منتشر شده، تجمعات معلمان و بازنشستگان با همراه شدن فعالین کارگری و خانواده های دانش آموزان و مردم معترض در شهرهای تهران، اصفهان، اراک، خمینی شهر، دلفان، نورآباد، کرمانشاه، البرز، کرج، سقز، نورآباد / فارس، خمینی شهر، شیراز، الیگودرز، بوشهر، یزد، هرسین، دلفان، دهدشت، لنگرود، سنج، شوشتر، اسلام آبادغرب، دهگلان، یاسوج، گچساران، اردبیل، سقز، لاهیجان، شهرضا، ایذه، تبریز، اهواز، قیر و کارزین، رستم و ممسنی، و مسجد سلیمان، تنکابن،

برگزاری یک اول مه گسترده و باشکوه در شهرهای مختلف

و انسانی در جامعه است. و میتواند سرآغازی برای اتحاد جنبش های مختلف اجتماعی و در پیشاپیش آن طبقه کارگر باشد. حزب کمونیست کارگری به همه رهبران و فعالین کارگری و معلمان و بازنشستگان و سازماندهندگان روز جهانی کارگر درود میفرستد و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط بازداشت شدگان روز جهانی کارگر تلاش خواهد کرد.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اردیبهشت
۱۴۰۱، ۱ مه ۲۰۲۲

برای جرم انگاری عدم پرداخت حقوق و مزایا، ممنوعیت کار کودکان کمتر از ۱۶ سال و داشتن حق زندگی شایسته و انسانی برای کودک، رفع هرگونه تبعیض جنسیتی، عقیدتی، ملی و قومی در محیط کار و در جامعه، به رسمیت شناخته شدن حق شهروندی برای مهاجرین افغانستانی و دیگر مهاجران و منع هرگونه اعمال تبعیض آمیز علیه آنان. هرگونه برخورد مهاجرستیز با اتباع خارجی باید جرم تلقی گردد. پایان دادن به سرکوب و تحقیر و تبعیض علیه دگرباشان جنسی در محیط های کار و تحصیل. قطعنامه های روز جهانی کارگر بطور واقعی پلاتفرم یک تحول اساسی

سیاسی، صنفی و مدنی، لغو مجازات اعدام و شلاق، لغو کلیه احکام صادره علیه فعالان کارگری، معلمان و دیگر جنبش های آزادی خواه و برابری طلب و آزادی بی قید و شرط همه کارگران، معلمان و فعالان سیاسی و اجتماعی در بند، آموزش رایگان در تمام سطوح و درمان رایگان برای همه، داشتن حق مسکن و بیمه بیکاری برای تمام جویندگان کار و کارگران بیکار، انحلال شرکت های پیمانکاری و واسطه های، حق تشکل، تجمع، اعتراض، اعتصاب، تحزب و آزادی بیان و عقیده و مطبوعات، پرداخت فوری مطالبات معوقه، همراه با خسارت دیرکرد و تصویب قانونی

کودک، نهادی چون کانون نویسندگان با قطعنامه ها و بیانیه های جمعی و یا مستقل روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. این قطعنامه ها محور های مشترکی داشتند و از جمله بر این خواستها تاکید داشتند: افزایش حداقل دستمزد به میزان ۱۶ میلیون تومان در ماه و اینکه مزد هیچ کارگری نباید کمتر از آن باشد، برچیده شدن حجاب اجباری و تمامی قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان، برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی، پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات

پوسترهای معلمان بازداشت شده توجه ها را بخود جلب میکند. از جمله بنرهای محوری این تجمعات عبارت بودند از: "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "تحصیل رایگان برای مردم ایران"، "درمان رایگان، برای همه"، "تجمع اعتراضی معلمان و بازنشستگان به نابرابری ها"، "نه به کالای شدن آموزش"، "اجرای همسان سازی بدون حقه بازی"، "اجرای رتبه بندی حق مسلم ماست".

گفتنی است که علاوه بر برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در کف خیابان، کارگران، معلمان، بازنشستگان، نهادهای دفاع از حقوق زن، حقوق

ویژه شماره اول ماه مه روز جهانی کارگر

برگزاری یک اول مه گسترده و باشکوه در شهرهای مختلف

صفحه ۶

Iran: May 1, 2022



یک اول مه میادانی دیگر را رقم زدیم

تألیف: نیکخواه، صفحه ۳

دومروز جهانی کارگر امسال

گندگو با شهلا دانشفر در ویژه برنامه روز جهانی کارگر در کانال جدید، صفحه ۵

کتابی تحسینیه اول مه در خارج کشور

یک سوال از سواش مدوسی در تکریمات خارج کشور حزب کمونیست کارگری، صفحه ۴

این روز را خاطر سپرده: اول مه ۱۴۰۱

یاسر سهندی، صفحه ۴

پیامی ارسال شده بر راننده ویژه آلمان حزب کمونیست کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر

صفحات ۶-۹

معین خاندان آزادی معلمان باستانی نوشتند

اخباری از اعتراضات معلمان برای آزادی همکاران در بند، صفحه ۲۴

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سرمدیه شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۲۵

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۱

۲۰۲۲



چهارشنبه ما ماستر سینه

آهنگ در آوازهای روز جهانی کارگر

برگرفته از مدیای اجتماعی

صفحات ۱۸-۱۲

برنامه ویژه روز اول مه

به وقت کارگر

کتابین برای آزادی کارگران

زقانی

صفحات ۲۴-۱۹

نورانی کارگری پیش پایمان

کارگری

برگرفته از مدیای اجتماعی

صفحه ۲۴

کارگر کمونیست ۷۲۵ انعکاسی از اول ماه مه امسال در ایران

کارگر کمونیست ویژه اول مه ۲۰۲۲
(۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱) حاوی گزارشات برگزاری شکوهمند اول ماه مه در ایران، بیانیه های تشکل های کارگران و معلمان و بخش های مختلف جامعه، پیام های فعالین به برنامه ویژه اول ماه مه در کانال جدید و گزارشات تصویری از داخل و خارج کشور است. کارگر کمونیست را از لینک زیر میتوانید دریافت کنید:

<https://wpiran.org/.../wp-content/uploads/2022/05/kk725.pdf>

اول مه گامی به پیش در جهت به هم پیوستن جنبشهای اعتراضی

حمید تقوایی

ادامه از صفحه ۴

موجود و همینطور خواستها و اهدافش حرف همه جنبشهای اعتراضی و حرف دل همه مردم است. اعتراضات جاری معلمان و بازنشستگان، اعتراض نویسندگان و کلا هنرمندان، اعتراض علیه تخریب محیط زیست، اعتراض زنان علیه تفکیک جنسی و جداسازیهای جنسیتی، اعتراض جوانان، اعتراض دانشجویان که دوباره با باز شدن دانشگاهها مبارزاتشان شروع شده، همه در اول ماه مه منعکس شد. به این معنا شعارها و خواستها و بیانیها و قطعنامههای کارگران در این روز نماینده وحدت ۹۹ درصدیها با پرچمداری و پیشگامی طبقه کارگر علیه وضع موجود بود.

خلیل کیوان: یک نکته مهم و برجسته اینست که اقشار مختلف اجتماعی، جنبشهای اجتماعی روزی را که اساسا چپ و مربوط به طبقه کارگر و سنت سوسیالیستی هست را گرامی میدارند و با آن همراهی میکنند. از نویسندگان، فعالین جنبشهای زن، معلمان و بازنشستهها و اقشار مختلف، در این مورد چه ارزیابی ای دارید؟ به نظر شما علت این امر چیست؟

حمید تقوایی: بنظر من این بازتاب یک واقعیت پایه ای تری است در جوامع سرمایه داری در همه دنیا و مشخصا در جمهوری اسلامی که حکومت اسلامی طبقه سرمایه دار مفتخور در ایران است. واقعیت پایه ای این است که ریشه و منشأ همه مصائب، تبعیضات، بی حقوقیها، نابرابریها، فقر و فلاکت

که در جامعه بیداد میکند و بخش عظیمی از جامعه را در بر میگردد، سلطه مفتخوران سرمایه دار است که امروز به آنها میگویند یک درصدیها. در ایران آیت الله های میلیاردی در راس این مفتخوران یک درصدی هستند. این واقعیت عینی

بخاطر موقعیت طبقاتی اش نیروی است که اولاً پرچمدار این نقد عمیق و ریشه ای به شرایط است و ثانیاً چشم اندازی را در مقابل جامعه میگذارد که راه رهایی و آزادی واقعی همه مردم آن جامعه را در چشم انداز قرار میدهد. این امر البته مختص اول

وضعیت بزند. یعنی در نقد و اعتراض طبقاتی کارگران. این واقعیت را امروز ما در اول ماه مه خیلی روشن مشاهده کردیم و من فکر میکنم بعد از این هم هر چه جامعه رادیکالتر بشود و هر چه مبارزات وسیعتر و عمیقتر بشود به همان نسبت شعارها و چشم

فراخوان من قبل از هر چیز به فعالین و پیشروان و چهره های این جنبشهای اعتراضی این است که دست در دست هم بگذارند. در حال حاضر کارگران نفت سازمان خودشان را دارند، شورای سازمانی اعتراضات کارگران پیمانی نفت که نقش و جایگاه مهمی دارد، معلمان شورای هماهنگی صنفی خودشان را دارند که نقش تعیین کننده ای در اعتراضات پیگیر و ادامه دار معلمان ایفا میکند، کارگران بخشهای دیگر هم نهادهای و چهره های فعال خودشان دارند. اینها میتوانند برای شکل دادن به یک حرکت متحد و مشترک میدانی در کنار هم قرار بگیرند. این بنظر من کلید پیشروی از این شرایط به یک شرایط عالی تری در مبارزه است و اول ماه مه میتواند نقطه شروع و نقطه عطفی در این حرکت باشد.

ماه مه نیست، همه اعتراضاتی که بویژه در این چند ساله اخیر شکل گرفته و در خواستها و شعارهای مردم، این واقعیت منعکس است. مثلاً شعار "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" فقط علیه فقر نیست بلکه علیه شکاف عظیم بین فقر و ثروت هم هست. یا معلمان بروشنی "علیه شکاف طبقاتی و علیه تبعیض و بی عدالتی" شعار میدهند و در برهه های و سخنرانی هایشان آنرا مطرح میکنند و یا فرض کنید مساله بیکاری، مساله ورود به بازار کار، مساله تامین معیشت که یک معضل مهم نسل جوان است، همه این نارضاقتها و اعتراضات بخشهای مختلف جامعه در واقع کل سیستم و نظم طبقاتی موجود را بچالش میکشد. از تروست که ۹۹ درصدیها نقد عمیق شان به شرایط امروز و راه خلاصی از این شرایط را در نقد و در حرکت مبارزاتی طبقه ای می یابند که میتواند تیشه به ریشه این

باعث میشود که جنبش طبقه کارگر که میخواهد تیشه به ریشه نظام سرمایه داری بزند در جامعه با استقبال مواجه بشود. مردم در تجربه روزمره شان بیشتر و بیشتر متوجه میشوند که ریشه مسائلشان سیستم و نظام موجود است و باید برای رسیدن به خواستهای خودشان کل وضع موجود را زیر و رو کنند. زنان برای رهایی از تبعیض و آپارتاید جنسی، جوانان برای برخورداری از یک زندگی مدرن و امروزی، جنبش علیه تخریب محیط زیست، اعتراضات مردمی که تحت انواع تبعیضات ملی، مذهبی و قومی و غیره قرار دارند برای برسمیت شناخته شدن بعنوان شهروند متساوی الحقوق، جنبش رنگین کمانیها و کلا همه جنبشهای حق طلبانه هر چه بیشتر متوجه میشوند که ریشه مساله آنها حاکمیت این مفتخوران است. طبقه کارگر طبعا بخاطر موقعیت اجتماعی اش و

در رابطه با دستگیریها که تعدادشان هم کم نیست و یک موضوع مهم است چه باید کرد؟

حمید تقوایی: همانطور که گفتید تنها راهی که حکومت دارد سرکوب و دستگیری و بازداشت است و معمولاً قبل از روزهایی مثل اول ماه مه و هشت مارس و مناسبتهایی که رژیم میداند اعتراضات وسیعی شکل خواهد گرفت پیشاپیش شروع میکند به دستگیری فعالین و چهره های جنبشهای اعتراضی و در نتیجه آزادی آنان خود تبدیل میشود به خواست این جنبشها علیه جمهوری اسلامی. امسال هم همین کار را کرد و با این همه دیدیم که موفق نشد که یک اول ماه مه خاموش و ساکتی را از سر بگذراند. بلکه برعکس اعتراضاتی گسترده تر از هر سال دیگری را شاهد بودیم. کلاً باد بگویم که این سرکوبها مدتهاست که دیگر هدف سیاسی حکومت را نمیتواند برآورده کند. یعنی نمیتواند جامعه را مرعوب کند و اینها هم معلمان، کارگران، و بازنشستگان بروشنی اعلام کردند که دیگر گذشته است. ارباب گذشته است. حکومت میتواند دستگیر کند، زندان کند، سرکوب کند و این کار را تا روز آخری که بر سر قدرت است خواهد کرد. سوال اینجاست که آیا میتواند با این تاکتیکها و با این شیوهها جلوی اعتراضات را بگیرد؟ تا امروز که نتیجه برعکس بوده یعنی هر چه بیشتر این سرکوبگریها ادامه پیدا کرده، اعتراضات شعله ورتز و فراگیرتر شده است. مشخصاً مدتهاست همه جنبشها اعم از جنبش کارگری و معلمان

اول مه گامی به پیش در جهت به هم پیوستن جنبشهای اعتراضی

حمید تقوایی

ها و کلا کانون های این مبارزات میتوانند در کنار هم قرار بگیرند و اعتراضاتشان در سطح خیابان را متحد و همزمان کنند. الان یکشنبه های اعتراض را بازنشستگان اعلام کرده اند. این یکشنبه های اعتراض میتواند به حرکتی تبدیل بشود که معلمان و کارگران و جنبش دادخواهی و غیره در آن شرکت داشته باشند. بنظر من این کاملا امکان پذیرست.

فراخوان من قبل از هر چیز به فعالین و پیشروان و چهره های این جنبش های اعتراضی این است که دست در دست هم بگذارند. در حال حاضر کارگران نفت سازمان خودشان را دارند، شورای سازمانی اعتراضات کارگران پیمانی نفت که نقش و جایگاه مهمی دارد، معلمان شورای هماهنگی صنفی خودشان را دارند که نقش تعیین کننده ای در اعتراضات پیگیر و ادامه دار معلمان ایفا میکند، کارگران بخش های دیگر هم نهادها و چهره های فعال خودشان دارند. اینها میتوانند برای شکل دادن به یک حرکت متحد و مشترک میدانی در کنار هم قرار بگیرند. این بنظر من کلید پیشروی از این شرایط به یک شرایط عالی تری در مبارزه است و اول ماه مه میتواند نقطه شروع و نقطه عطفی در این حرکت باشد.

۴ مه ۲۰۲۲

با تشکر از امیر توکی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

گذاشتند. مثل مبارزه کارگران نفت که هم سازمانیافتگی اش و هم سراسری بودنش کاملا برجسته و یک گام بزرگ به پیش برای جنبش کارگری بود. مبارزه معلمان هم همانطور که گفتم اساسا بخاطر موقعیت اجتماعی معلمان که خصصی سراسری دارد مدتهاست که در سراسر کشور حتی در شهرها و روستاهای کوچک هم فعال است و به خیابان می آید؛ مبارزه بازنشستگان هم همینطور. زمانی ما بر ضرورت سراسری شدن اعتراضات تاکید میکردیم، امروز تا حد زیادی در این بخشهای اساسی اعتراضی جامعه شاهد مبارزات سراسری هستیم. امروز باید گام برداشت بطرف عمومی شدن و فراگیر شدن مبارزات. به معنی اینکه از نظر میدانی، در سطح خیابان، اینها دست به حرکت اعتراضی متحد مشترک بزنند. این یک حرکت مشخصی است که قبل از هر چیز به فعالین این جنبش ها، به چهره ها و اکتیویستها و کنشگرانی که در این جنبشها فعالند، مربوط میشود. جنبش کارگری نهادهای متعدد و چهره های شناخته شده ای دارد. جنبش هنرمندان و نویسندگان، که کانون نویسندگان یکی از محورهای آنست، همینطور جنبش دادخواهی، مادران خاوران و مادران آبان خانواده قربانیان شلیک به هواپیما، هم چهره های معین و نهادهای مشخصی دارند و همینطور است جنبش معلمان، جنبش بازنشستگان و جنبشهای دیگر. بحث من این است که فعالین و نهادها و کمیته

ایران در حال شکلگیری است. همه بخشهای جامعه در این قطعنامه خواستهای خودشان را می بینند. البته در اعتراضات و در جنبش های میدانی مدتهاست که این شعارها و خواستها مطرح میشود ولی در قطعنامه اول ماه مه خواستها به شکل یک مجموعه فراگیر و خیلی روشن و شفاف و صریح اعلام شده است. به این اعتبار مضمون شعارها و خواستهایی که در اول ماه مه امسال مطرح شد یک کیفرخواست عمومی بود علیه نظام اسلامی سرمایه داری در ایران. از این نقطه نظر هم بنظر من اول ماه مه امسال بسیار فراگیر و متحد کننده بود.

خلیل کیوان: آخرین سوالم این است که با توجه با چنین اول ماه مه ای قدم بعدی باید چه باشد؟ برای اتحاد بیشتر جنبشهای اجتماعی و پیشروی بیشتر آنها چه سیاستها و چه اقداماتی باید در دستور قرار بگیرد؟

حمید تقوایی: بنظر من فضای اعتراضی در ایران که اول ماه مه یک نمونه و برجسته اش بود بطرف یک نوع همگرایی و وحدت بین جنبشهای اعتراضی علیه کلیت جمهوری اسلامی به پیش میرود. منظورم فقط از نظر مضمون و یکسان بودن شعارها نیست بلکه منظورم وحدت در عمل یعنی فعالیت میدانی همبسته و فراگیر است. مشخصا در این دوره جنبش معلمان، جنبش بازنشستگان و جنبش کارگری اشکال پیش رفته ای از اعتراض سازمانیافته و سراسری را به نمایش

اول ماه مه کلا دو دسته مطالبات مطرح میشود. یک دسته مطالباتی که مشخصا به شرایط معیشتی طبقه کارگر و کلا توده مردم بزیر خط فقر رانده شده مربوط میشود نظیر خواست ۱۶ میلیون حداقل دستمزد و اعتراض به قراردادهای موقت و قوانین مناطق آزاد اقتصادی و کلا سیاستهای کلان اقتصادی جمهوری اسلامی که همه اینها منشاء فلاکت عمومی و حقوق های نجومی در جامعه هستند.

بخش دیگر خواستها و مطالبات اجتماعی و سیاسی است که کاملا فراگیر است. بعنوان نمونه در قطعنامه ۱۰ تشکل به حجاب اجباری و تفکیک جنسی و جداسازی جنسیتی اعتراض شده، خواست لغو کار کودکان و فراهم کردن امکانات زندگی و تحصیل رایگان برای همگان مطرح شده، از حقوق شهروندی مهاجرین افغانستانی دفاع شده، خواست آزادی زندانیان سیاسی، آزادی اندیشه و تجمع و اعتراض و اعتصاب و غیره مطرح شده و غیره. این قطعنامه همچنین سندی است در اعتراض به تخریب محیط زیست، علیه دزدی چپاول و فساد حکومت، علیه امنیتی کردن و پرونده سازی امنیتی برای فعالین جنبش های اعتراضی و در دفاع از حقوق همجنسگرایان. شما اساسی ترین خواستها و مطالبات برحق و ضد تبعیض کل جامعه را در این قطعنامه می بینید. میشود گفت که این در واقع بیانیه یا پرچم و منشور انقلابی است که در

ادامه از صفحه ۷

بازنشستگان و زنان و جنبش دادخواهی پرچم آزادی زندانیان سیاسی را بلند کرده اند، و علیه پرونده سازی های امنیتی و علیه توطئه های حکومت علیه فعالین همیشه صدای اعتراضشان بلند بوده است. دستگیری های اخیر هم باعث میشود که این اعتراض و این حرکت بنظر من گسترده تر و رادیکالتر بشود و من تردید ندارم که همه جنبش ها و همه فعالین به میدان خواهند آمد با یک خواست مشخص آزادی بی قید و شرط نه تنها دستگیرشدگان این اول ماه مه بلکه کل زندانیان سیاسی. بنظر من این حرکت حکومت، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی را فراگیرتر و تعرضی تر خواهد کرد.

خلیل کیوان: مساله دیگر موضوع بیانیه ها و قطعنامه های بود که به این مناسبت منتشر شد. نکته کلیدی این قطعنامه ها و بیانیه ها چه بود و چه درسهایی کلا برای ما داشت؟

حمید تقوایی: خواستها و اهدافی که این بیانیه ها و قطعنامه ها اعلام کردند نشانه های این است که در این روز کارگران دارند از جانب یک جامعه از هر نظر معترض و تحت فشار قرار گرفته صحبت میکنند. در قطعنامه ده تشکل کارگری، معلمان و تشکل آزادی زنان که بالاتر اشاره کردم و همچنین در بیانیه ها و فراخوانهای بازنشستگان و کانون نویسندگان و در سخنرانی کارگران هفت تپه در تجمع

هزینه جنگ و تحریمها را باید دولتها بپردازند و نه مردم!



افزایش قیمت ۱۱۷ درصدی انواع نان های صنعتی

محمد شکوهی

افزایش چندین برابری نان فانتزی هستند.

طرح هدفمندی یارانه ها، آزاد سازی قیمت کالاهای اساسی، اینجا آرد و گندم، تا همینجا به اعتراف باندهای حکومتی باعث گرانی بیش از ۱۰۰ درصدی نان های صنعتی شده است. افزایش قیمتی که در دو دهه گذشته کم سابقه بوده است. جمهوری اسلامی در حال اجرای آخرین مراحل از طرح هدفمند کردن یارانه هاست. طرحی که تعرض شدید به سطح معیشت و گذران مردم، افزایش سرسام آور قیمت همه کالاهای اساسی، و اینجا نان را بدنبال داشته است. با این سیاست بخش بزرگی از مردم برای تامین نان با مشکلات جدی روبرو خواهند شد. افزایش ناچیز دستمزدهای امسال که هنوز هم در اکثر موارد اجرایی نشده، در کنار گرانی نان، فشار چندین برابری بر سفره های خالی کارگران و مردم وارد خواهد کرد. با این گرانی نان یک خانوار چهار نفره ماهانه فقط برای تامین نان خالی ناچار میشود بالای ۲۰ درصد از اختصاص بدهد.

جامعه و مردم در برابر این سیاستهای حکومت و تحمیل گرانی ها باید دست به اعتراضات قدرتمند و سراسری وسازمانیافته بزنند. تامین و دسترسی آسان و مناسب مردم به کالاهای اساسی را باید به حکومت دزدان و آدمکشان تحمیل کرد.

است. اثرات و تبعات آزاد سازی قیمت نان تا همینجا باعث افزایش بالای ۱۰۰ درصدی قیمت انواع نان صنعتی شده است. در این میان علاوه بر این افزایش قیمت انواع نان سنتی، لوش، بربری و سنگک و... در بازار رسماً شروع شده و دولت هم این افزایش قیمتها را تکذیب نکرده است.

افزایش قیمت آرد نان فانتزی و گندم مستقیماً در انحصار دولت و در ادامه اجرای طرح هدفمندی یارانه ها است. دولت سال گذشته قیمت خرید تضمینی گندم برای امسال را ۹۵۰۰ تومان برای هر کیلو اعلام کرده بود. گندمی که کیلویی ۹۵۰۰ تومان از کشاورزان خرید میشود، به قیمت ۱۲ هزارتومان کیلویی به صنف صنعت فروخته میشود. همینجا دولت سه هزار تومان در هر کیلو گندم سود می برد. در پروسه بعدی که این اصناف گندم را به آرد تبدیل می کنند، باز هم قیمت آرد افزایش می باید.

موضوع دیگر حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی برای آرد یارانه ای است. از اواخر سال گذشته دولت بتدریج اقدام به پیشبرد این سیاست کرد. خودشان می گویند حداقل افزایش قیمت نان فانتزی بالای ۱۰۰ درصد می باشد. دولت و مافیای آرد و گندم کل این صنعت، از خرید گندم تا تولید آرد و قیمت گذاریها را در اختیار دارند. به این اعتبار دولت و همه نهادهای درگیر در صنعت آرد و نان عاملان اصلی

صنعت به دلیل قاچاق مجبور به تسریع شدیم، یعنی زودتر طرح هدفمندی یارانه ها را انجام دادیم و قیمت را از ۲۷۰۰ تومان به ۱۲ هزار تومان افزایش دادیم. بسته حمایتی در نظر گرفته ایم و زمان و میزان مبلغ را ستاد هدفمندی تعیین خواهد کرد.

اینها تازه ترین خبرها از افزایش قیمت انواع نان فانتزی یا حجیم و غیر حجیم است که از روز ۱۷ اردیبهشت در نانویبها به اجرا گذاشته میشود. مقامات حکومت در توجیه این گرانی بالای ۱۰۰ درصدی انواع این نان، با وقاحت و بی شرمی موضوع را به افزایش قیمت گندم و آرد مرتبط کرده و وانمود می کنند که این دلیل اصلی گرانی نان می باشد.

اما در این میان حرف راست را وزیر جهاد کشاورزی زده که گفته که گویا مجبور شده ان طرح هدفمندی یارانه ها در مورد قیمت آرد و گندم را زودتر و ضربتی به اجرا بگذارند.

طرح هدفمندی یارانه ها که بیش از یک دهه گذشته تصویب به اجرا گذاشته است، قرار بود قیمت ها را آزاد کرده و و پرداخت سوبسید به برخی کالاهای اساسی را پایان بدهد. در سالهای گذشته این طرح در مورد بنزین و برخی کالاهای اما بحتاج عمومی به اجرا گذاشته شد. که باعث گرانی های سرسام آور و ادامه افزایش هر روزه قیمت این کالاها شد. حالا نوبت آرد و گندم

* یازدهم اردیبهشت ماه، ادارات کل غله و خدمات بازرگانی در استانها طی نامه ای به انجمن کارخانه های تولید آرد، نرخ جدید گندم را ۱۲ هزار تومان اعلام کردند. آنطور که فعالان صنف پخت نان فانتزی می گویند قیمت گندم برای نانهای فانتزی و حجیم با رشد ۱۳٫۳ برابری (۱۲۳۰ درصد) از ۹۰۰ تومان به ۱۲ هزار تومان رسید. موضوعی که می تواند تاثیر مستقیم روی قیمت ساندویچ بگذارد.

* حسین یزدجردی رئیس کانون صنایع آرد و نان ایران در توجیه گرانی های آتی قیمت این نانها قبلاً گفته بود: "وقتی گندم دو هزار و ۷۰۰ تومان به صنف و صنعت می دادیم و امسال گندم را برای آنها ۱۲ هزار تومان تعیین کردیم، طبیعی است که قیمت محصولات این صنف هم به تبع آن افزایش یابد. وی گفت: قیمت گندم

مورد استفاده آرد نان های سنتی ۶۶۵ تومان و اما گندم صنف و صنعت ۱۲ تومان تعیین شده است. برای ۶ قلم نان پر مصرف مانند نان باگت، ساندویچی، همبرگر، بروکن و بربری قیمت مصوب وجود دارد و قیمت آنها در سازمان حمایت تعیین می شد که بعد از آزاد سازی قیمت آرد، قیمت آنها حداقل ۱۰۰ درصد افزایش می یابد.

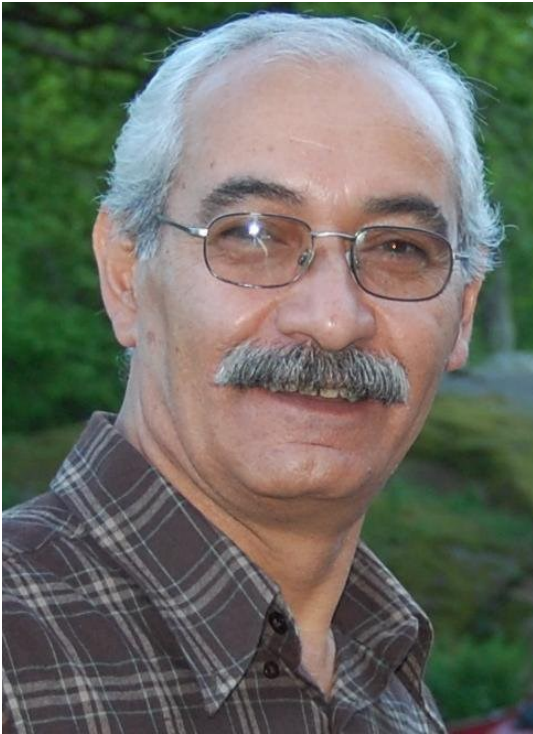
* ساداتی وزیر جهاد کشاورزی گفته است: "در بحث گندم صنف و

خبرگزاریهای حکومتی روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت به نقل از ابلاغیه "اتحادیه صنف نانهای حجیم و نیمه حجیم تهران"، جدول قیمت های انواع "نان فانتزی" را منتشر کردند. بر اساس این جدول قیمت ها، قیمت هر قرص نان باگت معمولی ۱۰ هزار تومان، نان باگت فرانسوی ۱۵ هزار تومان، نان بربری فرانسوی ۱۳ هزار تومان و نان همبرگری ۷ هزار و ۵۰۰ تومان قیمت گذاری شده است.

* وب سایت روزنامه همشهری به نقل از یک فروشنده نان های فانتزی در پاسخ به این سوال که میزان افزایش قیمت چقدر بوده است؟ گفته: کمترین میزان افزایش قیمت مربوط به نان باگت تک نفره بوده که قیمت آن از ۲۳۰۰ تومان به ۵۰۰۰ هزار تومان رسیده است. بر این اساس حداقل افزایش قیمت انواع نان های صنعتی بیش از ۱۱۷ درصد است.

* محمد جواد کریمی رئیس اتحادیه «نان های حجیم و نیمه حجیم» به خبرگزاری صدا و سیما گفته که قیمت آرد نان فانتزی، از کیسه ای ۶۷ هزار تومان به ۶۳۰ هزار تومان (حدود ۱۰ برابر) افزایش یافته است.

وی در ادامه تاکید کرده: "این افزایش قیمت، در کنار افزایش دستمزد و باقی هزینه های تولید نان های فانتزی بر روی قیمت این نان ها اثر خواهد گذاشت".



بن بست حکومتی در عراق، مخمصه و تقلاهای رژیم اسلامی ایران

عبدل گلپریان

اوایل بامداد یکشنبه اول ماه مه، شش موشک از ناحیه "برطله" از توابع حمدانیه در استان نی نوبه سوی منطقه خبات در اطراف اربیل شلیک شدند. بنا به خبرها این موشک پرانی توسط حشد الشعبی و دیگر دستجات مسلح وابسته به جمهوری اسلامی صورت گرفته که تلفات جانی نداشته است. طی ماههای اخیر این سومین عملیات سپاه پاسداران و دیگر دارودسته های حکومت اسلامی در عراق بوده است. پیش تر بامداد یکشنبه ۱۳ مارس سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، ۱۲ موشک به مناطقی در اربیل کردستان عراق شلیک کرد و روز یکشنبه ۲۷ مارس هواداران حشد الشعبی به مقر حزب دمکرات کردستان عراق در بغداد یورش بردند و آنجا را به آتش کشیدند.

سرور بارزانی نخست وزیر و نچيروان بارزانی رئیس حکومت اقلیم کردستان این بار هم این حمله را محکوم کرده و از کاظمی نخست وزیر عراق خواستند که برای جلوگیری از تکرار آن، هیئت مشترک و ویژه ای برای مجازات عاملان این حملات تشکیل دهد. موشک پرانی های گاه و بی گاه سپاه پاسداران و گروههای وابسته به رژیم اسلامی یک سری عملیات ایدانی صرف نیستند بلکه دلایل سیاسی و پایه ای تری دارند که در این نوشته سعی میکنم به گوشه هایی از آنها اشاره کنم.

واقعیت این است که

در اکتبر ۲۰۱۹ تحولات عظیمی در عراق رخ داد که انقلاب اکتبر نام گرفت. خیزشی که یکی از اهداف آن بیرون راندن حکومت اسلامی و تمامی دارودسته های مسلح آن از عراق و به زیر کشیدن احزاب و جریانات حاکم بر این کشور بود که زندگی و سرنوشت مردم این کشور را به تباهی کشانده اند. این انقلاب به سرانجام نهایی خود نرسید اما با زتاب آن و تأثیرات آن توانست نه تنها ستونهای نظام حاکم بر عراق را با شکافهای عظیم مواجه سازد بلکه پایه های حکومت اسلامی که عراق را به میدان تاخت و تاز خود تبدیل کرده بود بشدت ضعیف کرد.

بعد از انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۲۱ در عراق نیروها و دستجات وابسته به رژیم اسلامی شکست سختی را متحمل شدند و ضربه کاری دیگری خوردند. همه این باندها در جبهه ای بنام "چارچوب هماهنگی" دور هم جمع شدند و در هماهنگی با حکومت اسلامی ایران برای جبران این شکست و برای امتیاز گیری از احزاب دیگر که بیشترین کرسی های پارلمان را بدست آورده بودند عملاً مانع انتخاب رئیس جمهور، نخست وزیر و تشکیل کابینه شدند. با گذشت هشت ماه از انتخابات پارلمانی در عراق و بن بست موجود، به دلیل ایجاد ناآرامی و موشک پرانی های سپاه پاسداران و حشد الشعبی و دیگر دستجات وابسته به آن و همچنین به دلیل سردرگمی ها و مصالح و

وابستگیهای احزاب پارلمانی، این احزاب قادر نبوده اند رئیس جمهور، نخست وزیر و اعضای کابینه دولت را انتخاب کنند.

یک قطب شامل جریان مقتدی صدر ۷۵ کرسی، جریانات وابسته به سنی ها ۶۲ کرسی و حزب دمکرات کردستان عراق (بارزانی) ۳۱ کرسی از کرسی های پارلمان عراق را به خود اختصاص دادند. ائتلافی بین این سه گروه با ۱۶۸ کرسی به عنوان بزرگترین ائتلاف پارلمانی را تشکیل دادند. علاوه بر این سه گروه، نیروهای دیگر که خود را با این ائتلاف همراه می دانند عبارتند از: "نوه نو" ۹ کرسی، "امتداد" ۹ کرسی، "پارلماناران مستقل" ۸ کرسی "هم پیمانی عراق مستقل" ۶ کرسی، "توده مستقل" ۱ کرسی و "تصمیم" ۱ کرسی که رویهم با ۲۸ کرسی به نوعی در یک سو ایستاده اند و در مجموع ۲۰۲ کرسی دارند.

قطب دیگر جریانات وابسته به جمهوری اسلامی و دیگر احزابی هستند که به طرف آنها تمایل دارند و عبارتند از: "چارچوب هماهنگی" ۸۱ کرسی، "فراکسیون اتحادیه میهنی" ۱۸ کرسی، "فراکسیون عزم" ۱۲ کرسی، "فراکسیون اشراق کانون" ۶ کرسی، "فراکسیون اتحادیه اسلامی" ۴ کرسی، "صدهای مستقل" ۳ کرسی، "پارلماناران مستقل" ۱ کرسی، "فراکسیون پروژه

میهنی" ۱ کرسی و جمعیت دادگر ۱ کرسی جمعا ۱۲۷ کرسی. همانطور که مشاهده می کنید اتحادیه میهنی کردستان عراق (طالبانی) در جبهه "چارچوب هماهنگی" و رژیم اسلامی قرار دارد.

از ابتدای به قدرت رسیدن همه این نیروها در عراق و در تقسیم قدرت و پستهای حکومتی، رئیس جمهور سهم اتحادیه میهنی بوده است. حزب دمکرات بارزانی که موقعیت برتری در انتخابات پارلمانی اخیر کسب کرده است نمی خواهد کرسی ریاست جمهوری همچنان در دستان اتحادیه میهنی باقی بماند. بعد از مناقشات چند ماهه بر سر این پست، اکنون و از آنجا که "چارچوب هماهنگی" متمایل به جمهوری اسلامی ایران سهمی همچون سابق در حکومت بدست نیاورده تلاش می کند که پست ریاست جمهوری کماکان سهم اتحادیه میهنی باقی بماند.

این یکی از تلاشهای جمهوری اسلامی است که از این طریق بتواند با اعمال فشار موشکی جا پای محکمی در راس حکومت عراق داشته باشد. جمهوری اسلامی و دارودسته "ائتلاف چهارچوب هماهنگی" بر این پافشاری می کنند که اگر این امر محقق شود تنش ها کم خواهد شد.

حزب دمکرات نیز به این خواسته تن در نمی دهد. از سوی دیگر مقتدی صدر هم که با حزب دمکرات در یک جبهه قرار دارد، حاضر نیست تحت هیچ عنوانی نوری مالکی که مهره همیشگی جمهوری اسلامی است در دولت آینده پست و مقامی داشته باشد. مقتدی صدر که بیشترین کرسی های پارلمان را بدست آورده است در اواخر ماه مارس اعلام کرد که "چارچوب هماهنگی" ۴۰ روز وقت دارد یا پیش بگذارد و پروسه انتخاب

ادامه در صفحه ۱۱

نابود باد حکومت داعشی اسلامی

ادامه از صفحه ۱۰

رئیس جمهور، نخست وزیر و تشکیل کابینه دولت را به سرانجام برساند. این مهلت در تاریخ ۱۰ مه به پایان می رسد و "چهارچوب هماهنگی" با کمک حکومت اسلامی طی این مدت بجز موشک پرانی نتوانستند کاری از پیش ببرند و عملاً شکست خوردند.

ابتدا تصور می شد که مقتدی صدر با این اقدام در مقابل ائتلاف نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی دست به عقب نشینی زده است. اکنون مقتدی صدر با نزدیک شدن به پایان این مهلت چهل روزه، مجدداً و این بار خطاب به افراد مستقل پارلمان که جمعا ۴۰ نفر هستند همین طرح را خطاب به آنان نیز بیان کرده است و اعلام نموده که نمایندگان مستقل پارلمان، ۱۵ روز وقت دارند که بدون ائتلاف با "چهارچوب هماهنگی"، رئیس جمهور، نخست وزیر و کابینه دولت را انتخاب کنند. از سوی دیگر صدر مجدداً بر این

تاکید کرده است که بهتر است آنانی که در "چهارچوب هماهنگی" مورد اعتماد ما هستند با ما هم پیمان شوند تا بتوانیم از این بن بست یا به گفته او در راستای "منافع مبین" قدم برداریم. جریان صدر تلاش می کند در چانه زنی با رژیم اسلامی و با ایجاد بالانس به توافقاتی برسد تا از گزند یک حرکت انقلابی دیگر از سوی مردم در امان باشند.

روشن است که "نمایندگان منفرد و مستقل" نیز که تعدادشان از احزاب متمایل به جمهوری اسلامی کمتر است، کاری برای تشکیل دولت از دستشان بر نخواهد آمد. اینجاست که موشک پرانیهای این دوره جمهوری اسلامی و حشد الشعبی برای امتیاز گیری فعال شده و به جلو صحنه آمده است. بنظر می رسد که بعد از شکست نمایندگان مستقل پارلمان، اینبار صدر که با سنی ها و حزب دمکرات که ائتلافی بزرگ دارد، مجدداً فراخوان به تشکیل جلسه پارلمان دهد و این بار با دست پر ظاهر شود و بگوید حال که نتوانستید

کاری صورت دهید پس اجازه دهید ائتلاف ما کارش را بکند و دیگر کارشکنی نکنید.

"چهارچوب هماهنگی" اعلام کرده است در صورت تشکیل دولت آینده، آنان به عنوان بزرگترین اپوزیسیون پارلمانی ظاهر خواهند شد. اپوزیسیون پارلمانی در کشوری مثل عراق آنهم متشکل از درودسته های مسلح حکومت اسلامی معنایی جز ایجاد ناامنی و موشک پرانی های بیشتر در این کشور ندارد و از هم اکنون تداوم موقعیت خونبار خود بر مردم عراق را تحت عنوان اپوزیسیون می خواهند نشان دهند. از سوی دیگر در صورت به بن بست رسیدن ائتلاف صدر، سنی ها و حزب دمکرات برای تشکیل دولت، این احتمال هم وجود دارد که انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۲۱ ملغی و حکم به تجدید انتخابات مجدد داده شود. این هم معنایی جز تداوم هرچه بیشتر زندگی مردم در باتلاق که حکومت اسلامی و احزاب پارلمانی موجود برای آنان فراهم کرده اند، ندارد.

احزاب پارلمانی بر این مسئله واقف هستند که اگر رژیم اسلامی در عراق را به حاشیه نرانند بساط خود آنان نیز توسط مردم عراق برچیده خواهد شد. این شعار و مطالبه مردم بستوه آمده عراق بود که نه تنها خواهان بیرون راندن و برچیدن بساط حکومت اسلامی از عراق بودند بلکه خواستار پایان دادن به حکومت طایفه ای، قومی و اسلامی حاکم بر عراق و تحقق ساختاری سکولار در این کشور بودند.

فاکتور دیگر موقعیت بشدت منزوی شده رژیم اسلامی در سطح منطقه و در سطح جهانی است. از یک سو بن بست و شکست در مذاکرات بی سرانجام برجام و از سوی دیگر همسویی حکومت اسلامی با پوتین در رابطه با تجاوز ارتش روسیه به اوکراین است. فاکتور مهم دیگری که جمهوری اسلامی را در محاصره قرار داده و آنرا زمین گیر کرده است، اعتراضات هر روزه کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر بخشهای مختلف مردم در

ایران است.

تمام این فاکتورها وقتی در کنار هم قرار می گیرند، جمهوری اسلامی خود را در منگنه می بیند و تمام تلاش خود را بکار می برد تا برای خروج از این بن بست و بحران و برای گرفتن امتیاز و اعاده اندکی از موقعیت از دست رفته سابق خود در عراق، با این دست از موشک پرانی های گاه و بیگاه و ایجاد ناامنی بیشتر در این کشور سد و مانع ایجاد کند. در این تردیدی نیست که در صورت انتخاب رئیس جمهور، نخست وزیر و تشکیل کابینه، مردم عراق برای طرح مطالباتشان مجدداً به میدانهای تحریر باز خواهند گشت. این آن مولفه اساسی است که قبل از هر کس حکومت اسلامی از آن وحشت دارد. رژیم اسلامی با بحران و بن بست که در آن بسر می برد تلاش می کند همچنان با ایجاد ناامنی در عراق و در سطح منطقه حضور میلیونی مردم معترض در عراق را به عقب بیاورد.



گرانی حبوبات و پاسخ مردم

نسان نودینیان

بنا بر اخبار، متوسط قیمت یک کیلوگرم حبوبات در ایران ۵۰ تا ۷۵ هزار تومان در سال گذشته بوده اما در سال جاری قیمت برخی از این محصولات بین ۷۰ تا ۱۲۰ درصد افزایش یافته است.

گرانی مایحتاج مردم محدود به یکی یا دو قلم و یا حتی به کل سبد خرید نیست. هر بخش از نیازمندی های روزانه و درازمدت زندگی مردم را نگاه کنید، گرانی حرف آخر را میزند و قیمت خرید دائماً افزایش می یابد. آنچه افزایش نمی یابد حقوق و مزد کارگران است که تا

افزایش قیمت حبوبات در حالی صورت می گیرد که به دلیل افزایش نرخ سبد پروتئین خانوارها، تمایل اقشار آسیب پذیر جامعه برای مصرف حبوبات در سالهای اخیر افزایش

افزایش قیمت حبوبات در حالی صورت می گیرد که به دلیل افزایش نرخ سبد پروتئین خانوارها، تمایل اقشار آسیب پذیر جامعه برای مصرف حبوبات در سالهای اخیر افزایش

نیست زیرا این رژیم بر مبنای دزدی و فساد بنیان نهاده شده است. جواب قاطع به مساله گرانی برپایی خیزشهای توده ای مردم علیه شرایط معیشتی شان است، خیزشهایی که نظام اسلامی را بلرزه درآورد و به زیر بکشد.

روحانی است یا رئیسی مساله مردم نیست. مایحتاج زندگی در نظام اسلامی با گرانی سرسام آور یگرو گرفته شده است. تمامی مساله تمامی شهروندان جامعه در سطح میلیونی است. بهبود زندگی مردم در دستور حکومت اسلامی

سطح چهار میلیون تومان تنزل یافته است که نه تنها برای امرار معاش و یک زندگی انسانی کافی نیست، بلکه موجب عدم اطمینان خاطر در میان کارگران و توده های مردم شده است.

اینکه گرانی میراث

زورنال

اول ماه مه در تورنتو

بابک یزدی

سنت اول ماه مه در آمریکا و کانادا جا افتاده نیست، و معمولاً اولین دوشنبه سپتامبر را هر سال را در این دو کشور به عنوان روز کارگر جشن گرفته و تعطیل می کنند، و بیشتر اتحادیه ها و فعالین کارگری نیز در این مراسم شرکت می کنند. دلیل اصلی آن ریشه در کشتار کارگران و سرکوب کارگران در شیکاگو و تولد روز جهانی کارگر دارد.

احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق و برخی دیگر از کمونیست ها در سی سال گذشته سعی بر این داشته اند که این سنت را در کانادا زنده کنند. حزب کمونیست کارگری هر سال جشن اول ماه مه را سعی کرده است در کانادا هرچه باشکوه تر مستقلاً و یا در کنار دیگر جریانات

چپ و کمونیست برگزار کند. امسال نیز از چند ماه پیش کمیته برگزاری اول ماه مه متشکل از جریانات و احزاب و سازمانها و اتحادیه های چپ و رادیکال و سوسیالیستی به سازماندهی و برگزاری این مراسم پرداختند. حزب کمونیست کارگری ایران و فعالین این حزب نیز از فعالین جدی این کمیته بودند و ایرج رضائی از طرف حزب کمونیست کارگری یکی از سخنرانان برنامه بود. در مسیر راهپیمایی نیز فعالین و کادرهای حزب از شعار دهندگان مراسم بودند. علاوه بر کمیته برگزاری اول ماه مه امسال از طرف چندین اتحادیه و سندیکای کارگری نیز در این مراسم شرکت کرده و چندین هزار نفر از مسیرهای مختلف با



حزب کمونیست کارگری ایران واحد شرق کانادا. دوشنبه دوم ماه مه
<https://www.youtube.com/watch?v=cDoqWu93IZQ>

دخالت کردند. ما تلاش خود را برای به رسمیت شناساندن اول ماه مه به عنوان روز رسمی و جهانی کارگر تا تعطیلی این روز ادامه خواهیم داد. لینک گوشه ای از این مراسم در زیر خواهد آمد.

راهپیمایی در جلوی پارلمان اونتاریو بهم پیوستند. امسال اولین برنامه ای بود که روز کارگر در تورنتو هزاران نفری شد و فعالین کارگری و احزاب و جریانات چپ و سوسیالیستی در این ظرفیت در آن شرکت و

افتضاح پرستویی: آبان در تعقیب

مصطفی صابر

پرویز پرستویی بازیگر سینمای جمهوری اسلامی به بهانه نمایش فیلمی بنام "داستان هزار و یک روز" به کمک لابی های رژیم به آمریکا آمده بود تا به قول خودش "صلح" را تبلیغ کند. اما مقابل این سوال ایرانیان معترض قرار گرفت که چرا امثال شما از این همه جنایات جمهوری اسلامی در آبان خونین چیزی نمی گوید؟ چرا با قاسم سلیمانی قاتل کودکان سوری عکس گرفته ای؟

و ایشان جوابی قانع کننده تر از جمله به سوال کننده، یعنی سام رجبی، و دوربین شکنی نداشت. سام رجبی ویدیوی حمله پرویز پرستویی را در توئیترش منتشر کرد و تصاویر لات بازی جناب برنده "چهار سیمرغ بلورین" به سرعت در میدیای اجتماعی دست به دست و سپس رسانه ای و به یک افتضاح تمام و کمال تبدیل شد.



این واقعه یک بار دیگر یادآور میشود که جنبش دادخواهی سر در پی جمهوری اسلامی نهاده است. این دادخواهی چنان قوی و گسترده است که نه فقط در تعقیب جمهوری اسلامی و سرانش در ایران است، بلکه به اصطلاح هنرمندانی چون پرویز

پرستویی در جنوب کالیفرنیا را هم راحت نمی گذارد. بویژه بعد از کشتار هولناک آبان ۹۸ و شلیک عامدانه موشک به مسافرین هواپیمای اوکراینی جامعه ایران به یک جنبش عظیم دادخواهی تبدیل شده و گویی داغ همه جنایات

چهل و چند ساله رژیم نیز تازه شده است. دیگر برای هیچ کس، جایی برای مماشات و مغالزه کردن با جمهوری اسلامی نیست و مردم "هنرمندان" ساندیس خور را هرجا گیر بیاورند افشاء و رسوا می کنند.

ماهوره یوتلست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهوره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

KANAL JADID
 کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

FREE THEM NOW
CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

برداشتندگان روز جهانی کارگر (۱ مه) در ایران: محمود لاکتی، محسن رحمانی، امیر فرید، اصغر حبیبی (تبریز)، مسعود نیکخواه و سعید لطفی (تهران)، علی اکبر باغانی، رسول بدایق و محمد حبیبی (تهران)، محسن عمرانی، امانی فر و اصغر حاجب از بوشهر، مسعود نیکخواه و اسکندر لطفی از مریوان، منصور عرفانیان و هادی صادق زاده از مشهد، محمودی از الیگودرز، حسین سلامی از مازندران و لطیف روزیخواه از جلفا

MAY DAY DETAINEES: JAFAR EBRAHIMI, ALI AKBAR BAGHANI, RASOUL BODAIQI, MOHAMMAD HABIBI (TEHRAN), MAHMOUD LAKATI, MOSEN OMRANI, AMANI FAR, ASGHAR HAJEB (BOSHER), MASOUD NIKKHAH, ESKANDAR LOTFI (MARIWAN), MANOUEH ERFANIAN, HADI SADEGH ZADEH (MASHHAD), WANQOUEH ALI GOUDARZI, HOSEIN SALAMI (MAZANDARAN), LATIF ROZIKHAH (JOLFA), OSMAN ESMALI (SAGHEZ), MORTEZA SEYEDI, MOHAMMAD IRAN NEZHAZI, MASROUJ AHMEDI (TEHRAN), AFSHIN SAHIMI, PARVANEH ABDOLLAH POUR, RAHMAN SOLTMANI, SAED MOHAMMADI, FATEH MAJIDI (BANEH)

May Day detainees should be release immediately

FREE ALL JAILED WORKERS AND TEACHERS IN IRAN
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO



کارگر شده اند و این اعتراضات ادامه دارد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) همراه با معلمان و کارگران، همراه با اسماعیل عبدی که از پرچمداران کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات بوده است و همصدا با همه مردم، بر آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیر شدگان روز جهانی کارگر تاکید میکند.

برپایی اول مه حق مسلم همه کارگران و مردم است. برپایی تجمع و اعتراض و اعتصاب حقوق پایه ای مردم جامعه اسلامی بخاطر نقض حقوق پایه ای مردم باید در سطح بین المللی محکوم شود. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از همه اتحادیه های کارگری و نهادهای اسانددوست در سطح جهان میخواهد انزجار خود را از این سرکوبگرها اعلام کنند و به جمهوری اسلامی فشار بیاورند که تمامی بازداشت شدگان اول مه را بدون پرونده سازی و بدون قید و شرط آزاد کند. بویژه اکنون که در آستانه اجلاس جهانی سازمان جهانی کار (آی ال او) هستیم باید به کارگر سخن میگوئید، فشار آورد که به ماماشات خود با این حکومت خاتمه دهد. حکومت اسلامی بخاطر نقض حقوق پایه ای

اساس آخرین گزارشات عبارتند از: جعفر ابراهیمی، علی اکبر باغانی، رسول بدایق و محمد حبیبی از تهران، محمود ملاکی، محسن عمرانی، امانی فر و اصغر حاجب از بوشهر، مسعود نیکخواه و اسکندر لطفی از مریوان، منصور عرفانیان و هادی صادق زاده از مشهد، محمودی از الیگودرز، حسین سلامی از مازندران و لطیف روزیخواه از جلفا

علاوه بر معلمان در روز جهانی کارگر در سقز نیز عثمان اسماعیلی این چهره شاخص اول ماه مه ها بازداشت شده است. همچنین افرادی دیگر که عمدتاً از بازنشستگان هستند بازداشت شده اند که هنوز اسامی دقیق آنها در دست نیست کارزاری گسترده برای آزادی دستگیر شدگان از هم اکنون به جریان افتاده است. اسماعیل عبدی از معلمان شناخته شده زندانی در اعتراض به دستگیری ها و تشدید فشارهای امنیتی بر روی معلمان از روز اول مه به مدت یک ماه اعلام اعتصاب کرده است. معلمان در همین فاصله با تجمعات اعتراضی خود در شهرهای مختلف از جمله در الیگودرز، سنندج، سقز، تبریز خواستار آزادی همکاران بازداشتی و دستگیر شدگان روز جهانی

اول مه امسال در ایران صحنه جدال مردم بر سر زندگی و معیشت و خواسته های پاسخ نگرفته شان با حکومت بود. فراخوان برای تجمعات سراسری به مناسبت این روز از سوی معلمان و بازنشستگان و اعلام همبستگی ها حکومت اسلامی را بشدت به هراس انداخته بود. از همین رو رژیم در آستانه روز جهانی کار بر دستگیری ها و احضارهایش افزود و تلاش کرد با تهدید و ارباب مانع گرامی داشت روز جهانی کارگر در ایران شود. اما علیرغم همه این سرکوبگری ها تجمعات روز جهانی کارگر در بیش از ۵۰ شهر برگزار شد. بدین ترتیب اول مه امسال در ایران به روز شکست جمهوری اسلامی و یک روز با شکوه، تاریخی و فراموش نشدنی اتحاد و همبستگی بخشهای مختلف طبقه کارگر و معلمان و بازنشستگان تبدیل گردید.

در آستانه و در جریان تجمعات روز جهانی کارگر تعدادی از معلمان و بازنشستگان و فعالین معترض توسط نیروهای حکومت دستگیر شدند. زیر فشار تجمعات اعتراضی معلمان و فضای اعتراضی جامعه شماری آزاد گردیدند. اما هنوز تعدادی از بازداشت شدگان در زندانند که اسامی آنها بر

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۱،
مه ۲۰۲۲
Shahla.daneshfar2@gmail.com
https://free-them-now.com/

کارگران و مردم ایران و بخاطر همه جنایاتش باید در سطح بین المللی منزوی شود و از سازمان جهانی کار اخراج گردد. ما از همه سازمانهای جهانی میخواهیم که به ما بپیوندند و صدای کارگران و مردم معترض در ایران باشند.



سرمدیر: نسان نودینیان
ادیتور: کاظم نیکخواه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.
فیسبوک حزب: www.facebook.com/vpIran
اینستگرام: www.instagram.com/vpi91
تلگرام: telegram.me/vpi_hiki
وبسایت: www.vpIran.org

بازداشت شدگان اول ماه مه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

اعتراضات معلمان برای آزادی همکاران دربند

- روز ۱۲ اردیبهشت جمع بزرگی از معلمان در شهر سنجند دست به تجمع زده و با فریاد معلم زندانی آزاد باید گردد خواستار آزادی فوری همکاران بازداشتی خود شدند که در روز جهانی کارگر دستگیر شده اند.

- در شهر الیگودرز نیز روز ۱۲ اردیبهشت معلمان به مناسبت روز معلم دست به تجمع زدند و خواستار آزادی همکاران بازداشتی خود ابراهیم محمودی شدند. ابراهیم محمودی از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر است.

- معلمان در شهر جلفا به مناسبت روز معلم تجمع کردند و با شعار های لطیف روزیخواه آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد خواستار آزادی همکاران دربند و بازداشت شدگان روز جهانی کارگر شدند.

- عصر روز ۱۲ اردیبهشت روز معلم جمعی

از معلمان و اعضای هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان (مربیان) به نشانه همبستگی با همکاران در بند و در اعتراض به دستگیری ها با خانواده معلمان همکاران بازداشتی خود اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه دیدار کردند. و حمایت قاطع خود را از این دو عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان مربیان اعلام نمودند.

- بنا بر خبرهای منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان روز ۱۱ اردیبهشت مسعود فرهیخته یکی از معلمان معترض در استان البرز پس از خروج از منزل ساعت ۷ صبح توسط سپاه استان البرز دستگیر شد و با چشمبند و دستبند به اطلاعات منتقل گردید و از وی خواسته شد که تعهدی مبنی بر عدم حضور در تجمعات بدهد اما مسعود فرهیخته با مقاومت در برابر این خواسته مامورین امنیتی

ایستاد و اعلام کرد که چنین تعهدی نمیدهد و او را نگهدارند. در نهایت او ساعت ۱۵ عصر همانروز آزاد گردید.

- روز ۱۲ اردیبهشت جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته، و فعالین انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه) با حضور در مقابل منزل صلاح سرخی، همبستگی خود را با وی اعلام داشته و خواهان آزادی بی قید و شرط او و دیگر همکاران دربند خود شدند. معلمان سقز تاکید کردند در صورت عدم آزادی بی قید و شرط صلاح سرخی، روز پنجشنبه تجمع اعتراضی برگزار خواهند کرد.

- روز ۱۲ اردیبهشت جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته، و فعالین انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه) با حضور در مقابل منزل صلاح سرخی که در آستانه اول ماه دستگیر شده، همبستگی خود را با وی اعلام داشته و خواهان آزادی بی قید و

شرط او و دیگر همکاران دربند خود شدند. معلمان تاکید کردند در صورت عدم آزادی بی قید و شرط صلاح سرخی، روز پنجشنبه تجمع اعتراضی برگزار خواهند کرد.

بر اساس خبرهای منتشر شده پرونده ۹ نفر دیگر از معلمان سقز نیز به اسامی آوات رضوی، لیلیانیت زاده، طاهر حامدی، طاهر قادر زاده، آمانج امینی، عزیز مرزی، احمد قادری و سلیمان عبدی دیگر به دادرسی سقز ارجاع شده است.

بنا بر خبرها در روز جهانی کارگر حداقل ۶۰ نفر از معلمان بازداشت و زندانی شده اند. در میان این بازداشت شدگان محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، رسول بدائی، علی اکبر باغانی از اعضای کانون صنفی معلمان در تهران و محمود بهشتی، عمو صفر و حبیب مرادعلی بیگی در گیلان قرار دارند. معلمان طی نامه ای به اتحادیه بین المللی معلمان و عقو بین

المللی خواستار حمایت جهانی در برابر این سرکوبگری ها شده اند. علاوه با معلمان در روز جهانی کارگر عثمان اسماعیلی از فعالین شناخته شده در شهر سقز نیز بازداشت شده است. حزب کمونیست کارگری بر آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیر شدگان روز جهانی کارگر و همه معلمان زندانی و زندانیان سیاسی تاکید دارد. حزب با تمام قوا کارزار علیه سرکوبگری های رژیم در قبال مبارزات معلمان را ادامه میدهد. بازداشت شدگان اول ماه مه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

زنده یاد اول ماه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ اردیبهشت
۱۴۰۱، ۲ مه ۲۰۲۲

این چهره محبوب معلمان را بر عهده مقامات زندان و دستگاه قضایی دانسته است.

اسماعیل عبدی یکی از چهره های شاخص اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات است و اکنون با اعتراض علیه سرکوبگری های حکومت اعلام اعتراض کرده است. اذیت و آزار اسماعیل عبدی از جانب حکومت کثیف اسلامی را باید وسیعاً محکوم کرد. اسماعیل عبدی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱،
۲ مه ۲۰۲۲

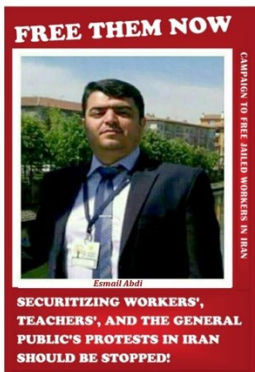
از سوی افسر نگهبان عنوان شد که زندان تهران از پذیرش عبدی خودداری کرده و او دوباره به "ندامتگاه مرکزی" باز گردانده شده است. با مراجعه دوباره خانواده به زندان هیچ گونه اطلاعی از بازگشت آقای عبدی به زندان نیافتند. تا اینکه سرانجام بعد از این سردواندن ها و با پیگیری ها مشخص شد که اسماعیل عبدی به زندان کجوی کرج منتقل شده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان طی بیانیه ای خبری از وضع اسماعیل عبدی، مسئولیت مستقیم هرگونه اتفاق ناگوار برای عبدی

عنوان ترخیص او را از زندان خارج کرده اند و وسایلهای را به انبار زندان منتقل کرده و پلمپ کردند. بعد از این خبر با پیگیری های خانواده و دوستان عبدی از زندان مرکزی کرج، خبر رسید که اسماعیل عبدی به قرارگاه نیروی انتظامی البرز منتقل شده است. با این خبر خانواده و دوستان اسماعیل عبدی به قرارگاه نیروی انتظامی البرز، مراجعه کردند. در آنجا گفته شد که او به اوین منتقل شده است. بعد از آن خانواده اسماعیل عبدی طی تماس تلفنی با افسر نگهبان (مامور بدرقه زندانی) و پرس و جو از وضعیت اسماعیل عبدی،

جان اسماعیل عبدی در خطر است

اسماعیل عبدی از درون زندان در اعتراض به سرکوبگری های حکومت دست به اعتصاب زده و به اعتراض برخاسته است. بدنبال این حرکت اعتراضی جمهوری اسلامی فشار خود را بر روی معلمان شدت داده است. بنا به گزارش های منتشر شده بعد از مسدود کردن کارت تلفن زندان اسماعیل عبدی در تاریخ ۱۴ اردیبهشت، نگهبانان زندان در ساعت ۴ بعد از ظهر روز ۱۵ اردیبهشت ماه از بند ۶ زندان مرکزی کرج با



Shahla.daneshfar
2@gmail.com
https://free-them-
now.com/

روز ۱۴ مه روز جهانی اعتراض برای نجات احمد رضا جلالی



روز ۱۴ مه روز جهانی اعتراض برای نجات احمد رضا جلالی
نقشه اعدام وی را به یک رسوایی بزرگ برای جمهوری اسلامی تبدیل خواهیم کرد!
خبرگزاری حکومتی ایسنا به نقل از "منابع آگاه" اطلاع داده است که احمدرضا جلالی پژوهشگر دو تابعیتی تا اواخر اردیبهشت اعدام خواهد شد.

احمد رضا جلالی پژوهشگر ایرانی- سوئدی از سال ۱۳۹۵ یعنی شش سال پیش تاکنون توسط حکومت اسلامی به گروگان گرفته شده و از سال ۱۳۹۶ برای وی حکم اعدام صادر شده است که به تایید دیوان عالی جمهوری اسلامی نیز رسیده است. او بارها اتهاماتی که به وی نسبت داده شده است را قویا رد کرده و گفته است که تحت شکنجه جسمی و روانی، وادار به اعتراف علیه خود شده است. او بیگناه است و باید فوراً آزاد شود.

برای جمهوری اسلامی به گروگان گرفتن احمدرضا جلالی و دیگر زندانیان دو تابعیتی وسیله ای برای

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ -
۴ مه ۲۰۲۲
شیاو محبوبی-
00447572356661
مینا احدی-
00491775692413
شهلا دانشفر-
00447435562462
#اعدام_نکنید
#اعدام_قتل_عمد_دولتی_است

حمایت کنند و در همه جا خواهان آزادی بدون قید و شرط وی شوند. ما در همان حال از دولت سوئد و دیگر دولتهای غربی می خواهیم نسبت به نقشه های جمهوری اسلامی برای اعدام احمدرضا جلالی شدیداً اعتراض کنند. جمهوری اسلامی باید چنان تحت فشار جهانی قرار گیرد تا از اعدام احمدرضا جلالی دست بردارد و او را از زندان آزاد نماید. ما برای لغو حکم اعدام احمدرضا جلالی و آزادی وی از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد.

هایی هستند که از آنها می توان در معامله و یا بعنوان اهرم فشار در سیاست خارجی استفاده کرد. این رفتار بشدت ضد انسانی است و باید بعنوان باج گیری قویا محکوم شود. ما روز ۱۴ مه را روز جهانی حمایت از احمدرضا جلالی اعلام می کنیم تا به تهدید اعدام وی پاسخ گوینده ای داده باشیم. ما از همگان می خواهیم که در این روز با برپایی گردهمایی اعتراضی در شهر محل سکونت خود در گوشه و کنار دنیا از احمدرضا جلالی و خانواده وی

گروکشی و باج بگیری در سیاست خارجی است. اکنون همزمان با پایان یافتن دادگاه حمید نوری در استکهلم و درخواست حبس ابد برای وی بدلیل مشارکت در قتل شمار زیادی از زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ از سوی دادستانی سوئد، جمهوری اسلامی ضرب الاجلی برای اعدام احمدرضا جلالی تعیین کرده است. دنیا نباید به جمهوری اسلامی اجازه دهد که احمدرضا جلالی را اعدام کند. زندانیان دو تابعیتی از نظر جمهوری اسلامی مهره



آشتی آشتی آشتی با هم بریم تو کشتی

حسن صالحی

آشتی افتاده است. آشتی با غرب و دولت سوئد تا گریبان خود را نجات دهد. تصورش هم نمی کرد که به این روز بیفتد. پاسخ ما به این جانی این است از آشتی خبری نیست. کشتی در حال غرق شدن است.

اتفاق نیفتد. شاید او فکر می کند آشتی با غرب برای حکومت جانیان اسلامی تنها راه نجات باشد. شاید او فکر می کند که اگر در برخوردی انتقامجویانه از جانب حکومت اسلامی احمدرضا جلالی شهروند سوئد اعدام شود او تا آخر عمر خود در زندان خواهد بود. برای همین به فکر

تویخانه همین مردم نیز غرق خواهد شد. حالا حمید نوری که می داند رسیدگی به جنایات او سرآغاز محاکمه همه سران جمهوری اسلامی است با کنایه به همپالگی های خود می گوید که این سرنوشتی است که همه آنها بدان دچار خواهند شد و بهتر است تدبیری کنند که این

خود می اندیشند به یکدیگر هشدار می دهند که همگی در یک کشتی نشسته اند و اگر این کشتی غرق شود همه آنها از اصولگرا و اصلاح طلب غرق خواهند شد. کشتی جمهوری اسلامی در معرض آماج حملات همه جانبه مردم ایران است و دیر و یا زود توسط

این حرفی بود که حمید نوری متهم به دست داشتن در قتل زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در آخرین جلسه دادگاه خود در استکهلم بیان داشت. ما در ایران یک کشتی در حال غرق شدن داریم که نامش جمهوری اسلامی است. خود حکومتی های وقتی به آخر و عاقبت

برگزاری مراسمهای باشکوه روز جهانی کارگر در کشورهای اسکانیناوی، اروپا و کانادا

مالمو



هانوفر



فرانکفورت



گوتنبرگ



استکهلم



کاسل



برگزاری مراسمهای باشکوه روز جهانی کارگر در کشورهای اسکانیدیناوی، اروپا و کانادا

کپنهاگ



تورنتو



اسلو



آمستردام



فرانکفورت



کلن





به امید پیروزی "به شیرین شمس"

یاشار سهندی

اولا به سهم خودم بسیار متشکر و ممنونم از شما و دیگر همکارانتان در تلویزیون کانال جدید که با توجه به امکانات فنی، تا آنجا که توانستید به بهترین وجهی چند روز آخر دادگاه حمید نوری را پوشش تلویزیونی دادید. من نیز به عنوان یک دادخواه نظاره گر آن بودم که چگونه یک سمبل از جنایت وسیع جمهوری اسلامی به محاکمه در پیشگاه جامعه کشیده شد؛ و همگان نظاره گر این بودند که این شدنی و ممکن است که جنایتکاران به محاکمه کشاند، و پیامی بود به ریز و درشت کارگزاران جمهوری اسلامی که سرنوشت محتوم شان را به چشم ببینند. بی شک جشن دادخواهی چون خار در جگر جلادان اسلامیفرو رفت و ایشان را دچار خفقان و ترس شدیدی کرده؛ که شادی یعنی مرگ ایشان.

اما آنچه من را بیشتر وادار کرد که این یادداشت را خطاب به شما بنویسم وعده "به امید پیروزی" درست و شدنی شما به مصاحبه شونده

دادخواه برادر من نیز در سال 61 به دست جمهوری اسلامی به قتل رسید. مانند رفتاری که با بسیاری خانواده ها کردند، با ما نیز تماس گرفتند میخواستند آزادش کنند، به زندان مراجعه کنید. اول صبح، ساعت 8 بود که این پیغام به ما رسید. مادر از من خواست بروم دنبال پدرم. من به سرعت خودم را به مغازه پدرم رساندم. نرسیده به مغازه پدر یکی از همشهریان جلوم را گرفت و من را کناری کشید و خبر هولناکی را بی مقدمه به من داد: دیشب سه نفر اعدام شدند برادر شما هم بوده. بلافاصله این را دوباره مطرح کرد، اینبار اما سوالی. من هاج و واج نگاهش کردم. چه می بایست میگفتم. باورم نشد. یک دفعه حس کردم همه شهر خبر دارند. به نظرم رسید فضای شهر کوچک ما یک جور دیگر بود. در شهرهای کوچک خبرها زود پخش میشود. وقتی به پدرم گفتم باید برای آزادی برادرم بروم زندان، ناباورانه

نگاهم کرد. وقتی مغازه را می بست جمعیتی کوچکی پشت سرمان بودند و هیچی نمی گفتند. پدرم کاملا پریشان بود. شاید او هم شنیده بود و به من نمی گفت. در برگشت به آن همشهری دوباره برخوردیم پرسید: حقیقت دارد؟ با سر تایید کردم. و او تسلیت گفت. به خانه که رسیدم، برادر دیگرم آماده میشد که با پدرم راهی شود. خبر دردناک را به او گفتم. نگاهش یخ زد. مادرم دستپاچه بود. آتش به جان سماور انداخته بود تا چای تازه دمی آماده سازد، برای پذیرایی از پسر که یکسالی بود در زندان بود. زمانی نگذشت برادر و پدرم برگشتن. من سریع خودم را رساندم به در حیاط. در آهنی حیاط را باز کردم. نه من چیزی گفتم و نه آنها. نگاهشان، بعد سر پایین انداختن شان حاکی از همه چیز بود.

مادرم روی بالکن که به انتظار دیدار پسرش بود وقتی دید نه تنها همراه ایشان نیست بلکه پدر و برادرم کاملا غمزده هستند، فهمید. جیبی کشید و قبلا از اینکه بیفتد برادرم خودش را به او رساند. فریاد میزد: "بگو چی شده؟" گفتن نداشت. همه چیز معلوم بود. در مراسمی کوچکی در خانه، فردای آنروز به یاد بود برادرم برگزار شد. یکی از بچه های محل قدیمی مان، که اصلا انتظار دیدن اش را در آن شرایط و در این مراسم نداشتیم و بیشتر از آن اصلا انتظار رفتاری متفاوت از دیگران از او نداشتیم. آمد و یک یک ما را در آغوش کشید. تسلیت نگفت. تنها یک چیز گفت: "به امید پیروزی"

طنین این حرف و امیدی که در این کلام بود باعث گردید مرگ این چنین سخت برادر، برای من یکی

قابل تحمل تر شود. و تکرار آن توسط شما این خاطره را برای من زنده ساخت.

این روزها دلم برای مادرم تنگ شده. کاش بود و شاهد این بود که چگونه قاتلان به دام می افتند. باور نداشت. میگفت به عمر من قد نمی دهد. متأسفانه این جور شود او رفت و این روزها را شاهد نبود.

به امید پیروزی؛ امیدی بوده که دادخواهان را در همه این سالها سر پا نگهداشته و نیز اینکه این امید را هیچ حکومت جلادی نمی تواند از مردم بگیرد. این امید، امید به پیروزی نقطه شکست همه حکومتهای دیکتاتور و جلاد است. جمهوری اسلامی بهیچ وجه از این قاعده استثناء نیست بلکه نظاره گر این است که چگونه فردای پایش آغاز شده.

به مردم ایران در داخل کشور به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک کنید

دو هفته قبل همه مردم آزاده در خارج و داخل کشور را به کمک مالی به حزب و کال جدید فراخواندیم. اینجا مورد خطاب ما مردم شریف در داخل کشور هستند.

شما دوستداران حزب و تلویزیون کانال جدید، شما کارگران و بازنشستگان، معلمان و پرستاران، زنان، جوانان و دانشجویان، هنرمندان و نویسندگان شما مردم شریفی که برای رهایی از حکومت اسلامی در اعتراض هستید، شما که از شر دخالت مذهب در زندگی تان، از فقر و تبعیض و بیحقوقی و از ظلم و ستم هر روزه دزدان و جنایتکاران حاکم به تنگ آمده اید، فرامیخوانیم که حزب کمونیست کارگری را هر چه بیشتر تقویت کنید. این حزب همه شما است. حزب کمونیست کارگری. حزب کارگران و اقشار محروم جامعه علیه فقر و محرومیت و استثمار و نابرابری است. حزب زنان علیه تبعیض و بیحرمتی و حجاب اجباری است. حزب جوانان برای رفاه و شادی و عدالت اجتماعی است. این حزب نماینده شما برای سرنوشت حکومت گندیده اسلامی و نماینده تلاش و آرزوهای انسانی شما برای ساختن جامعه ای انسانی و آزاد و مرفه و بدون دخالت مذهب و آخوند در زندگی مردم است. کانال جدید، تلویزیون این حزب نیز صدای همه شما مخالفین حکومت است. کانال جدید صدای رسای اعتراض و اعتصاب هر روزه شما و تقویت کننده اتحاد و پیوستگی شما برای زیر و رو کردن جهنمی است که حکومت و مفتخوران حاکم بر جامعه حاکم کرده اند.

این حزب به کمک مالی شما مردم شریف و معترض نیاز مبرم دارد. تا بتواند فعالیت های خود را در داخل و خارج کشور گسترش دهد و برنامه های کانال جدید را متنوع تر و با قدرت بیشتری در اختیار بینندگان قرار دهد. هر مقدار که میتوانید به حزبتان کمک کنید. قدم جلو بگذارید و از دوستان و آشنایان مورد اعتمادتان بخواهید هر مقدار میتوانند کمک کنند. کمک ها را جمع آوری کنید و برای رساندن آن به حزب با شماره تلفن های زیر یا با دوستان حزبی تان در خارج کشور تماس بگیرید.

اتکاء ما به حمایت شماست!

لیست شماره ۳ کمپین ۱۰۰ هزار دلاری برای تامین مالی حزب و کانال جدید

در پاسخ به فراخوان حزب مبلغ ۸۵۷۵۰ دلار آمریکا در سه هفته گذشته جمع آوری شد. عمیقا از همه شما عزیزانی که به کمپین مالی سالانه حزب کمک کردید قدر دانی میکنیم. امیدواریم دوستان بیشتری در این کمپین شرکت کنند تا حداقل ۱۴۲۵۰ دلار دیگر نیز ظرف هفته آینده جمع آوری شود.

حزب کمونیست کارگری برای گسترش فعالیت های خود از جمله بهبود برنامه های تلویزیون کانال جدید که بر روی دو ماهواره برنامه پخش میکند، به امکانات مالی بسیار بیشتری نیازمند است. از همه دوستان حزب و همه مردم شریف و آزاده، در داخل و خارج کشور، که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جامعه ای خوشبخت، آزاد، برابر و انسانی و بدون دخالت مذهب در زندگی خود هستند میخواهیم که بهر اندازه توان مالی شان اجازه میدهد، به حزب کمک کنند.

دست همگی شما را صمیمانه میفشاریم.

لیست شماره ۳

سیاوش مدرسی ۲۰۰ پوند (جمعا ۳۰۰ پوند)
 کمیته کردستان ۳۵۰ دلار (جمعا ۵۰۰ دلار)
 ایرج آبشار ۱۰۰۰ دلار کانادا
 پولاد ۵۰ یورو
 علی معنوی ۲۰۰ پوند
 فاطی کلوانی ۳۰۰ کرون
 جلیل + ۵۰ پوند
 اصغر کریمی ۳۰۰ پوند
 عباس ایاقی ۲۰۰ دلار
 جلال گلبریان ۵۰ یورو
 البرزفلاند ۵۰ یورو
 جلیل کمال ۵۰ پوند
 سحر ۵۰ پوند
 سیامک امجدی ۵۰ پوند
 فنلاند- یک دنیای بهتر ۵۰ یورو
 شهین کابلی ۱۰۰ یورو
 مصطفی صابر ۱۰۰۰ دلار
 شهلا صفایی ۵۰ پوند
 بابک یزدی ۱۰۰۰ دلار کانادا (جمع ۲۰۰۰ دلار)
 دوستدار حزب از آلمان ۱۰۰ یورو
 محمد شکوهی ۱۰۰ یورو
 حمید حقشناس ۱۰۰۰ کرون
 سحر ادیب ۵۰۰ کرون
 هانوفر- دوستدار حزب ۳۰ یورو
 شیرزاد چوپانی ۵۰ پوند
 مریم نمازی ۱۰۰ پوند (کمک به کانال جدید)
 فریبرز بویا ۱۰۰ پوند (کمک به کانال جدید)
 حمید رضا ۵۰۰ دلار کانادا
 ساشا تورنتو ۱۰ دلار کانادا
 فرزانه درخشان ۳۰ یورو
 شمی صلواتی ۵۰ یورو
 نیما سروستانی ۵۰۰ کرون
 میلاد رسایی منش ۵۰۰ کرون
 فرننگ ۵۰۰ کرون
 عباس جوادیان ۴۰۰ کرون

از ایران:
 سارا ۵۰۰ هزار تومان
 دماوند استوار یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان
 مینو دریایی ماهی ۲۰ هزار تومان

جمع لیست سوم ۲۹۳۳۰ دلار آمریکا

آزاده نجاد ۵۰ دلار کانادا
 ناصر اصغری ۱۰۰ دلار کانادا
 داوید غفاری ۵۰۰ کرون
 رضا شرکانلو ۱۰۰۰ کرون
 بهرام جهانبخش ۱۰۰۰ کرون
 رضا قربانی ۵۰۰۰ کرون
 لیلا شعبانی و طه آزادی ۳۰۰ دلار کانادا
 میثم عتیق ۱۰۰ یورو
 کریم شامحمدی ۲۰۰۰ کرون
 صابر نوری ۱۰۰۰ کرون
 زرگار رضایی ۱۰۰۰ کرون
 اردشیر نظری ۱۰۰۰ کرون
 مجتبی نظری ۱۰۰۰ کرون
 ودا ایلکا ۱۰۰۰ کرون
 دوستدار حزب در استکهلم ۱۰۰۰ کرون
 Kajsa ۲۴۰۰ کرون
 هادی ۱۰۰ یورو
 نغمه ۱۰۰ یورو
 شکوفه ۱۰۰ کرون
 کیومرث کرمانشاه ۱۰۰ دلار
 حسین مکوندی ۲۰۰ دلار
 حمید مکوندی ۱۵۰ دلار
 جوتیار غریب ۱۰۰ دلار کانادا
 جلال سعید ۳۰ دلار کانادا
 آزاد قدرت ۳۰ دلار کانادا
 مریم نوری ۲۵ دلار کانادا
 گوران باهیر ۵۰ دلار کانادا
 علی م. ۵۰۰ دلار
 رضا از آمریکا ۱۰۰ دلار
 بختیار میرزایی ۱۰۰ دلار کانادا
 سینا پدram ۵۰۰ پوند (جمعا ۱۰۰۰۰ پوند)
 مجتبی نظری ۱۰۰۰ کرون
 شیرین بهرامی ۵۰۰ کرون
 جاوید ناصری ۵۰۰ کرون
 نسترن منصوری ۲۰۰ کرون
 فریبا آذرخش و پیام آذر ۱۵۰ یورو
 مهرداد ویرجینیا ۵۰ دلار
 مینا صراف ۵۰ دلار (جمعا ۱۵۰ دلار)
 پریسا آینده ۱۰۰۰ دلار
 مهران محبوبی ۱۰۰ دلار کانادا
 نینا تابان ۱۰۰ دلار کانادا
 امیر روشن ۲۵۰ دلار کانادا
 ندا علائی و امین یاراحمدی ۳۰ یورو
 محمد کریمی ۵۰ یورو
 حمیدرضا ۵۰۰ دلار کانادا
 حسن بویا ۵۰ دلار کانادا
 میترا بابک ۱۰۰۰ پوند

برای پرداخت کمک های خود میتوانید از طریق شماره حساب های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات های حزب اقدام نمایید.

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: 0046739868051

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی:

0014164717138

تماس از ایران

شهلا دانشفر: 00447435562462

کیوان جاوید:

00447788988643

مستحکم باد پیوند تمام بخشهای طبقه کارگر
علیه ستم و تبعیض